



### لایحه حقوقی زنان ایران

پیشنهاد همبود فمینیستی ایران، برای زن، زندگی، آزادی  
لایحه حقوقی زنان ایران: نهادینه‌سازی «زن، زندگی، آزادی» در قانون اساسی یک نظام  
دموکراتیک آینده

برای نخستین بار در ۱۷ هفدهم اسفند ۱۴۰۱ منتشر شد  
بازنویسی دهم: اسفند ۱۴۰۴

## **Iran Women's Bill of Rights**

### **Embedding 'Woman, Life, Freedom' in a Future Democratic Constitution**

## لایحه حقوقی زنان ایران: نهادینه‌سازی «زن، زندگی، آزادی» در قانون اساسی یک نظام دموکراتیک آینده

### چرا لایحه حقوقی

اگرچه در گفت‌وگوهای روزمره اصطلاحاتی چون «منشور»، «بیانیه» و «لایحه حقوق» گاه به جای یکدیگر به کار می‌روند، اما این مفاهیم در واقع بیانگر سنت‌های حقوقی و سیاسی متفاوتی هستند. یک منشور معمولاً اصول و آرمان‌های کلی را بیان می‌کند که می‌توانند راهنمای قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری در آینده باشند، در حالی که لایحه حقوقی عموماً حقوق و مطالبات مشخصی را طرح می‌کند که مستلزم شناسایی و حمایت قانونی هستند.

با توجه به تجربه‌های دشوار و گاه ناامیدکننده زنان در جنبش‌های اجتماعی و سیاسی پیشین در ایران جایی که مشارکت زنان چشمگیر بود اما حقوق و مطالبات آنان اغلب به حاشیه رانده شد یا توسط دیگران تفسیر گردید ما آگاهانه تصمیم گرفته‌ایم این سند را در قالب «لایحه حقوق زنان» تدوین کنیم. این انتخاب بیانگر آن است که هدف ما نه تنها طرح مطالبات مشخص زنان، بلکه ارائه تفسیر روشنی از معنا و دامنه این مطالبات نیز هست. بدین ترتیب می‌کوشیم اطمینان حاصل کنیم که این مطالبات با صدای خود زنان بیان شود و تعریف یا تفسیر آن صرفاً به مقامات حقوق سیاسی واگذار نگردد.

## فهرست مطالب

### بخش مقدماتی

- فهرست اختصارات کلیدی
- پیشگفتار: پیشنهاد منشور حقوق فمینیستی برای «زن، زندگی، آزادی»
- راه طولانی تا «زن، زندگی، آزادی»: تاریخ و میراث مبارزات زنان ایران
- سخنی با خوانندگان
- دیباچه

### مفاد منشور: مطالبات ما

- ماده ۱. مجلس مؤسسان قانون اساسی
- ماده ۲. استقرار سکولاریسم در ساختار دولت
- ماده ۳. تعهد به رعایت استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر
- ماده ۴. اجرای ملی اسناد بین‌المللی حقوق بشر
- ماده ۵. نیروهای مسلح ملی
- ماده ۶. تأسیس دیوان عالی قانون اساسی
- ماده ۷. تأسیس کمیسیون مستقل قضایی
- ماده ۸. کمیسیون مستقل حقوق بشر و برابری جنسیتی
- ماده ۹. کمیسیون برابری جنسیتی و قومی
- ماده ۱۰. کمیسیون ترویج و حمایت از حقوق جوامع فرهنگی، دینی و زبانی
- ماده ۱۱. کمیسیون برنامه‌های درسی، استانداردهای آموزشی و آزادی آکادمیک
- ماده ۱۲. دفتر برنامه اقدام ملی صلح و امنیت
- ماده ۱۳. تضمین تعهدات قانون اساسی و پاسخگویی عمومی
- ماده ۱۴. استقرار عدالت انتقالی
- ماده ۱۵. توجه ویژه به عدالت انتقالی با محوریت زنان
- ماده ۱۶. تأسیس کمیسیون حقیقت‌یاب درباره خشونت علیه زنان ناشی از قوانین و سیاست‌های دولتی

### حقوق مدنی، اجتماعی و اقتصادی

- ماده ۱۷. حقوق شهروندی زنان: برابری و منع تبعیض در برابر قانون
- ماده ۱۸. آزادی رفت‌وآمد و حق دسترسی به فضای عمومی
- ماده ۱۹. دسترسی به آموزش باکیفیت و سکولار
- ماده ۲۰. دسترسی به فضای مجازی و ارتباطات دیجیتال
- ماده ۲۱. دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی
- ماده ۲۲. حقوق اقتصادی زنان، اشتغال و بازار کار
- ماده ۲۳. زنان و محیط زیست
- ماده ۲۴. حق رشد و توسعه فردی، جسمی، فرهنگی، هنری، ورزشی و تفریحی

## خانواده، عدالت و مشارکت سیاسی

- ماده ۲۵. برابری حقوقی در خانواده، عشق، تفاهم متقابل و زندگی مشترک
- ماده ۲۶. مشارکت و دسترسی زنان به عدالت در نظام قضایی
- ماده ۲۷. مشارکت سیاسی زنان
- ماده ۲۸. نمایندگی مؤثر زنان در تصمیم‌گیری‌های اجرایی
- ماده ۲۹. سازوکارهای نهادی زنان: اجرای و نظارت بر برابری جنسیتی
- ماده ۳۰. کمیسیون ملی زنان (NCW)

University of Toronto  
The Elahé Omidyar Institute of Iranian Studies  
presents

پژوهشکده ایران شناسی الهه امیدیار میرجلالی برگزار می کند

A symposium on  
**The Iranian Women's Bill of Rights**  
نشست لایحه حقوقی زنان ایران



زن، زندگی، آزادی

Saturday, 15 April 2023,  
1:00-3:30 PM Eastern Time  
(Canada and the US)

شنبه ۱۵ آوریل ۲۰۲۳  
ساعت ۱:۰۰ بعدازظهر به وقت تورنتو

Zoom  
Registration



UNIVERSITY OF TORONTO  
FACULTY OF ARTS & SCIENCE  
Elahé Omidyar Mir-Jalali Institute of Iranian Studies



## فهرست واژه های اختصاری

- اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸/۱۳۲۷ (UDHR)،
- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶/۱۳۴۵ (ICCPR)،
- میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶/۱۳۴۵ (ICESCR)،
- کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان ۱۹۷۹/۱۳۵۷ (CEDAW)،  
کنوانسیون علیه شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی و یا تحقیرآمیز  
۱۹۸۴/۱۳۶۳ (UNCAT)،
- اعلامیه حذف خشونت علیه زنان ۱۹۹۳/۱۳۷۲ (DEVAW)،
- کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد (UNCRC)،
- قطعنامه شورای امنیت در مورد زنان، صلح و امنیت (قطعنامه ۱۳۲۵) در سال ۲۰۰۰/۱۳۷۹ و  
قطعنامه‌های مرتبط که به طور جمعی "دستورکار زنان، صلح و امنیت،  
(WPS Agenda) را تشکیل می‌دهند، شامل:
- قطعنامه ۱۸۲۰ (۲۰۰۸/۱۳۸۷): مقابله با خشونت جنسی به عنوان سلاح جنگی و ارائه اقدامات  
برای حفاظت از زنان و دختران در طول درگیری‌های مسلحانه،
- قطعنامه ۱۸۸۸ (۲۰۰۹/۱۳۸۸): تقویت اقدامات مقابله با خشونت جنسی در درگیری‌های مسلحانه،  
از جمله تعیین نماینده ویژه برای موضوع خشونت جنسی در درگیری‌ها،
- قطعنامه ۱۸۸۹ (۲۰۰۹/۱۳۸۸): تأکید بر مشارکت زنان در بازسازی و ایجاد صلح و بهبودی پس  
از درگیری،
- قطعنامه ۱۹۶۰ (۲۰۱۰/۱۹۶۰): ایجاد سازوکارهای پاسخگویی برای مقابله با خشونت جنسی در  
درگیری‌ها،
- قطعنامه ۲۱۰۶ (۲۰۱۳/۱۳۹۲): تأکید بر لزوم عدالت و پاسخگویی در برابر خشونت جنسی و  
برجسته کردن نقش زنان در پیشگیری و حل منازعات،
- قطعنامه ۲۱۲۲ (۲۰۱۳/۱۳۹۲): ترویج رهبری زنان و مشارکت آن‌ها در برابرپیشگیری از  
منازعات، حل منازعات و فرآیندهای صلح،
- قطعنامه ۲۲۴۲ (۲۰۱۵/۱۳۹۴): ادغام دستورکار زنان، صلح و امنیت در استراتژی‌های گسترده‌تر  
سازمان ملل، از جمله مقابله با تروریسم و تغییرات اقلیمی،
- قطعنامه ۲۴۶۷ (۲۰۱۹/۱۳۹۸): تقویت رویکردهای حمایتی در مورد افراد آسیب دیده در راستای  
رسیدگی به خشونت جنسی در درگیری‌ها،
- قطعنامه ۲۴۹۳ (۲۰۱۹/۱۳۹۸): تأکید بر تعهدات دستورکار زنان، صلح و امنیت و درخواست  
برای تسریع در اجرای این قطعنامه‌ها،

● قطعنامه ۱۳۲۵ (۱۳۷۹/۲۰۰۰) و قطعنامه‌های پس از آن، به طور کلی با هدف حفاظت از زنان و دختران در شرایط درگیری، پیشگیری از خشونت، و تضمین مشارکت آن‌ها در فرآیندهای صلح سازی و تصمیم‌گیری تصویب شده‌اند،

● این موضوع توسط سازمان ملل به رسمیت شناخته شده است، هرچند که تاکنون به‌عنوان یک قطعنامه مستقل تصویب نشده است. با این حال، با استناد به کنوانسیون‌های موجود مانند کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان (CEDAW) و دستورکار زنان، صلح و امنیت، خشونت علیه زنان در سیاست محکوم شده و از منظر حقوق بین‌الملل مورد بررسی قرار می‌گیرد. علاوه بر این، مجمع عمومی سازمان ملل در قطعنامه ۵۸/۱۴۲ (۱۳۸۲/۲۰۰۳) و اهداف توسعه پایدار ۲۰۳۰ (SDG۵) (بر اهمیت مشارکت سیاسی زنان تأکید می‌کند).

## پیشنهاد همبود فمینیستی ایران، برای زن، زندگی، آزادی<sup>۱</sup>

برای نخستین بار در ۱۷ هفدهم اسفند ۱۴۰۱ منتشر شد.  
بازنویسی دهم: اسفند ۱۴۰۴

### پیشگفتار

جنبش «زن، زندگی، آزادی» در سپتامبر ۲۰۲۲ / ۱۴۰۱ با قتل حکومتی مهسا (ژینا) امینی، زن جوان کرد ایرانی که توسط گشت ارشاد به بهانه رعایت نکردن حجاب کامل بازداشت شده بود، آغاز شد. اعتراضی که به قوانین اجباری حجاب و تبعیض سیستماتیک علیه زنان شروع شد، به سرعت به درخواست گسترده‌تر برای سرنگونی رژیمی تبدیل شد که مشروعیت خود را در چشم مردم از دست داده بود.

ایرانیان در داخل و خارج از کشور همبستگی بی‌سابقه‌ای از خود نشان دادند. در داخل ایران، جوانان با سازمان‌دهی اعتراضات پراکنده اما گسترده، نیروهای سرکوب را دچار فرسایش و ناتوانی در مهار اعتراضات کردند. در همین حال، ایرانیان در دیاسپورا، در اروپا، آمریکای شمالی، استرالیا و دیگر نقاط جهان با گردهمایی‌های هفتگی خود تظاهرات عظیمی برپا کردند. از اروپا و هند تا سنگال، جامعه مدنی جهانی حمایت خود را از زنان ایرانی نشان داد و همبستگی فوق‌العاده‌ای را به نمایش گذاشت. تظاهرات در سراسر ایران با سرکوب وحشیانه دولت مواجه شد که بیش از ۵۰۰ کشته، شمار بسیاری مجروح - نابینا کردن معترضان به ویژه دختران، - و بیش از ۲۰ هزار بازداشت به همراه داشته است.

از همان ابتدا، بسیاری از ما احساس کردیم که تغییر اگر چه نه فوری، دست کم در افق نه چندان دور اجتناب‌ناپذیر است. با درک اهمیت این لحظه سرنوشت‌ساز، گروهی از کنشگران برجسته جنبش زنان، دانشگاهیان و وکلای حقوق بشر تصمیم گرفتند، چشم‌اندازی برای آینده طراحی کنند و سندی حقوقی و جامع مربوط به زنان، برای گنجاندن در قانون اساسی آینده ایران پس از گذار از جمهوری اسلامی، را تدوین کنند. به‌طور تاریخی، زنان با وجود مشارکت چشمگیرشان در انقلاب‌های گذشته، از برخورداری از حقوق شهروندی برابر در قانون اساسی محروم مانده‌اند. این بار، ما مصمم هستیم که صدایمان شنیده شود و حقوق برابر و کرامت انسانی برای همه شهروندان تضمین گردد.

با این هدف، گروهی از کنشگران فمینیست گرد هم آمدند تا «لایحه حقوق زنان ایران» را تدوین و تفسیر کنند که چگونه شعار «زن، زندگی، آزادی» در قانون اساسی آینده محقق شود. این ابتکار عمل، زنان فمینیست، وکلا و دانشگاهیان از داخل ایران و دیاسپورا را کنار هم جمع کرد. محبوبه عباسقلی‌زاده از چند تن از زنانی که در کمیته تدوین منشور زنان ایران در سال ۱۳۸۸/۲۰۰۹ حضور داشتند، دعوت کرد تا به ما بپیوندند و تجربه ارزشمندشان را به اشتراک بگذارند.<sup>۲</sup> در پایان

---

<sup>۱</sup> شعار «زن، زندگی، آزادی» از شعار کردی ژن، ژیان، آزادی سرچشمه می‌گیرد که یک ندای فمینیستی طولانی مدت برای حقوق زنان، تقدس زندگی، و آزادی و برابری است. مرگ ژینا (مهسا) امینی، یک زن کرد ایرانی تحت بازداشت پلیس در سپتامبر ۲۰۲۲ این شعار را در اعتراضات توده‌ای ایران که پس از آن به وقوع پیوست، احیا کرد و ترجمه آن به فارسی به عنوان زن، زندگی، آزادی تبدیل به فریاد جمعی شد که در برابر تبعیض‌های در هم تنیده شده، نابرابری جنسیتی، ستم بر اقلیت‌های قومی، بی‌عدالتی اقتصادی، و سیاست استبدادی مقاومت می‌کند.

اکتبر ۲۰۲۲ / ۱۴۰۱، گروه متنوعی از فمینیست‌های با تجربه و جوان برای شروع این کار حیاتی گرد هم آمدند.



ما جلساتی را برگزار کردیم تا ارزش‌های بنیادی و چارچوب لایحه حقوقی را بررسی کنیم. به‌منظور افزایش مشارکت همگانی، تصمیم گرفتیم از اصطلاحات حقوقی پیچیده پرهیز کنیم تا متن نه‌تنها برای حقوق‌دانان، بلکه برای تمامی زنان و عموم مردم قابل درک و استفاده باشد. چندین کمیته، از جمله کمیته‌های تدوین و پژوهش، تشکیل شد. ما از کمیته‌ی مشورتی متشکل از چندین کارشناس قانون

زنان ایرانی با تکیه بر پژوهش‌های گسترده و مشورت با گروه‌های مختلف زنان از استان‌های مختلف کشور، «منشور زنان» را با هدف پرداختن به حقوق و مطالبات آنان تدوین کردند. این منشور به‌طور رسمی در جریان انتخابات خرداد ۱۳۸۸ (ژوئن ۲۰۰۹) رونمایی شد.

با این‌حال، ناآرامی‌های سیاسی پس از انتخابات به بازداشت و زندانی شدن بسیاری از فعالان زن انجامید و شمار دیگری نیز برای پرهیز از بازداشت، ناگزیر به تبعید خودخواسته شدند. در نتیجه، این منشور به مرحله‌ی نهایی نرسید و شمار فزاینده‌ای از زنان به این جمع‌بندی رسیدند که اصلاحات سیاسی معنادار در چارچوب رژیم موجود امکان‌پذیر نیست.

اساسی ایرانی و غیر ایرانی، دعوت کردیم. متن به طور همزمان به زبان‌های فارسی و انگلیسی تهیه شد تا دسترسی همگانی فراهم شود، هدف ما این بود که اولین نسخه را در ۸ مارس ۲۰۲۳ / ۱۷ اسفند ۱۴۰۲ روز جهانی زن و سالگرد اعتراضات زنان ایرانی علیه حجاب اجباری، در سال ۱۳۵۷ / ۱۹۷۹ منتشر کنیم.

پس از بحث‌های گسترده، تصمیم گرفته شد گروه را با عنوان «همبود فمینیستی برای زن، زندگی، آزادی» معرفی کنیم. هدف ما این بوده است که این لایحه‌ی حقوقی را به صورت دوره‌ای بر اساس بازخوردهای عمومی بازنگری و به‌روزرسانی کنیم. تا پایان نوامبر ۲۰۲۲ / ۱۴۰۱، شرکت‌کنندگان لیست‌های پیشنهادی خود را ارسال کردند و کمیته تدوین، کار خود را آغاز کرد و بخش‌های آماده شده را برای بازبینی به اشتراک گذاشت. از طریق تلاش‌های جمعی، اولین نسخه تکمیل و طبق برنامه منتشر شد.

این متن در پلتفرم‌های عمومی و شبکه‌های اجتماعی توزیع شد و اعضای کمیته‌ی تدوین در مصاحبه‌های رسانه‌ای شرکت کردند تا مفاد لایحه را اطلاع‌رسانی کنند. در ۲۵ مارس ۲۰۲۳ / ۱۴۰۲، این سند در یک گردهمایی بزرگ از دانشگاهیان ایرانی و مدافعان دموکراسی کثرت‌گرا در دانشگاه استنفورد ارائه شد. وینار دیگری در ۱۵ آوریل در دانشگاه تورنتو برگزار شد که بیش از ۲۲۰ شرکت‌کننده داشت، از جمله زنان ایرانی در دیاسپورا در سراسر جهان و از داخل ایران و افغانستان. شرکت‌کنندگان بازخورد گسترده‌ای ارائه دادند که راهنمای اصلاحات بعدی شد. همچنین درخواست‌هایی از زنان منطقه و جوامع دیاسپورا برای برگزاری و بیناری مشابه به زبان انگلیسی دریافت کردیم که امیدواریم در آینده آن را برگزار کنیم.

از آن زمان تاکنون، جلسات حضوری در شهرهایی مانند لندن، استانبول، برلین، تورنتو و مونترال برگزار شده است. اگرچه نگرانی‌های امنیتی مانع از ارائه جزئیات درباره بحث‌های جمعی داخل ایران می‌شود، ما همچنان بازخورد ارزشمندی از شرکت‌کنندگان داخل کشور دریافت می‌کنیم.

نسخه فعلی این سند که بازنگری و ویرایش دهم است، حاصل شمار زیادی بازخوردهای کتبی و صوتی است که از سوی فعالان اجتماعی، گروه‌های زنان و فمینیستی داخل و خارج ایران است که این لایحه را به‌طور کامل بررسی کرده و دیدگاه‌ها و پیشنهادهای جمعی خود را با ما در میان گذاشته‌اند. همچنین به‌همراه دانشگاهیان و فعالان داخل و خارج از ایران، و جمعی از متخصصان قانون اساسی از ایران، هند، آفریقای جنوبی و کشورهای آمریکای لاتین و چندین وینار این نسخه تکوین شده است. این فرآیند همکاری، نشان‌دهنده تعهد ما به تدوین چارچوبی مستحکم، جامع و فراگیر برای حقوق زنان در ایران دموکراتیک آینده است. در آینده، قصد داریم بر موضوعات خاصی مانند عدالت انتقالی، نمایندگی برابر سیاسی و قوانین انتخاباتی تمرکز کنیم.

نسخه کامل این سند در وبسایت [www.iwbr.org](http://www.iwbr.org) قابل دسترسی است. از همه خوانندگان و علاقه‌مندان دعوت می‌کنیم نظرات و پیشنهادات خود را از طریق وبسایت [contact@iwbr.org](mailto:contact@iwbr.org) برای ما ارسال کنند.

از طرف کمیته تدوین

هما هودفر

University of Toronto  
The Elahé Omidyar Institute of Iranian Studies  
presents  
پژوهشکده ایران شناسی الهه امیدیار میرجلالی برگزار می کند

A symposium on  
**The Iranian Women's Bill of Rights**  
نشست لایحه حقوقی زنان ایران



زن، زندگی، آزادی

Saturday, 15 April 2023,  
1:00-3:30 PM Eastern Time  
(Canada and the US)

شنبه ۱۵ آوریل ۲۰۲۳  
ساعت ۱:۰۰ بعدازظهر به وقت تورنتو

Zoom  
Registration



UNIVERSITY OF TORONTO  
FACULTY OF ARTS & SCIENCE  
Elahé Omidyar Mir-Jalali Institute of Iranian Studies



## تاریخ و میراث مبارزات زنان در ایران؛ راهی طولانی تا «زن، زندگی، آزادی»



زن، زندگی، آزادی» نه یک شگفتی، بلکه بیان روشن مطالباتی بود که سال‌ها در جامعه انباشته شده بود.

در طول تاریخ، زنان توسط سنت‌های فرهنگی و ساختارهای اجتماعی که اغلب به نام و پشتیبانی دین قوام می‌گرفتند، از عرصه عمومی کنار گذاشته می‌شدند، اما به رغم این محدودیت‌ها، زنان همواره با نقش آفرینی موثر خود در جنبش‌های تحول‌خواه تاریخ به ویژه تاریخ مدرن از جنبش تنباکو (۱۸۹۰-۱۸۹۲ / ۱۲۷۱-۱۲۶۹) تا انقلاب مشروطه (۱۹۰۵-۱۹۱۱ / ۱۲۸۹-۱۲۸۳) و انقلاب ۱۳۵۷/۱۹۷۹ بخش جداناپذیر این جنبش‌ها بوده‌اند، اما هر بار پس از پیروزی این جنبش‌ها زنان را از برخورداری از حقوق اولیه بشری و شهروندی محروم کردند، کما این که زنان در قانون اساسی مشروطه در زمره کودکان و مجنونان قرار داده شده بودند. محرومیت‌سازی زنان در انقلاب ۱۳۵۷/۱۹۷۹ به اوج رسید، به طوری که بسیاری از حقوقی که زنان طی سال‌ها در دوران مدرن‌سازی پهلوی (۱۹۲۵-۱۹۷۹ / ۱۳۰۴-۱۳۵۸) به تدریج به دست آورده بودند، را از آن‌ها سلب کردند.

هر چه بیشتر عرصه عمومی برای زنان تنگ‌تر می‌شد، آنان برای دستیابی به حقوق خود با شدت بیشتری به مبارزه بر می‌خاستند. زنان زودتر از همه دریافتند که نگرش واپسگرایی رهبران سیاسی در قامت دین به سلب آزادی‌ها و حقوق اولیه انسانی تعرض کرده است و از همان اولین روزهای پساانقلاب زنان در اسفند ۱۳۵۷ یک روز بعد از فرمان خمینی برای حجاب اجباری به طور خودجوش و به اعتراض به تظاهرات خیابانی برخواستند. زنان به‌خوبی دریافته بودند که رژیم، بدن آنان را به‌مثابه

ابزاری سیاسی و حامل هویت ایدئولوژیک خود تلقی می‌کند. زنان با وجود تهدیدهای مختلف علیه جان، جایگاه، منزلت و کرامت انسانی خود، در همه عرصه‌های مبارزه‌ها از اقدام‌های روزمره تا فعالیت‌های سازماندهی‌شده لحظه‌ای عقب‌نشستند

به رغم اعمال فشارها زنان همچنان به حضور خود در عرصه عمومی ادامه دادند. آن‌ها پیوسته در میدان مبارزه حضور داشتند به سازمان‌دهی، حرکت مردمی، لابی‌گری، نگاشتن نامه‌های سرگشاده و طومارهای اعتراضی، انتشار منشور زنان ۱۳۸۸، شرکت در اعتراضات خیابانی، پیشتازی در تحصیلات و هنرها، و به چالش کشیدن مرزهای سنتی، از جمله در ورزش و پوشش، به طور گسترده پرداختند. به تشکیل کمپین‌های متعدد از جمله کمپین مبارزه با مجازات سنگسار، کمپین سلامتی برای همه، کمپین علیه لایحه خانواده، کمپین حق ورود به ورزشگاه، کمپین با هم علیه اسیدپاشی، پیش‌نویس منشور زنان و کمپین توقف قتل‌های "ناموسی" و غیره پرداختند. هدف اصلی زنان در تمام این مبارزات "داشتن حق شهروندی برابر، حقوق بشر بنیادی و خودمختاری بر بدنشان بود". زنان می‌خواستند از قید و بند‌های پدر-مردسالارانه‌ای که تحکیم بخش رژیم اسلامی است رهایی یابند.

پاسخ رژیم به مبارزات مسالمت‌آمیز زنان مقابله خشن و سرکوب بود. بی‌توجهی رژیم اسلامی به خواسته‌ها و پاسخ‌های معنادار و سرکوب بی‌رحمانه‌اش منجر به شکل‌گیری جنبش فراگیر «زن، زندگی، آزادی» شد. جنبشی که زنان به‌طور علنی و با عملکردی نمادین، حجاب اجباری را، که نماد ایدئولوژیک رژیم بود، کنار گذاشتند. این جنبش نه تنها با پوشش همه خواسته‌های برحق آزادی و عدالت‌طلبی زنان و گروه‌های مبارز روحیت‌آزاده داد، بلکه شور و هیجان و احساس همبستگی تازه‌ای برای جنبش فمینیستی فراملیتی به ارمغان آورد.

با توجه به درس‌های برگرفته از تاریخ و تجربه اندوخته شده در بیش از چهار سال مبارزه روزانه بی‌امان، به بهای از دست رفتن زندگی دختران و مردان جوان و زنان مبارز، زنان ایرانی اجازه نخواهند داد، بار دیگر در جریان انقلاب و یا تغییرات ساختاری دیگری کنار گذاشته و خواسته‌هایشان فراموش شود. امروز، زنان و مردان فمینیست، چه در داخل و چه در خارج ایران، متعهد هستند که اصول و ارزش‌های جنبش «زن، زندگی، آزادی» را به خواسته‌های عملی تبدیل کنند و مصمم‌اند این اصول را در قانون اساسی آینده بگنجانند. زنان می‌خواهند قرارداد اجتماعی جدیدی برقرار کنند و برابری واقعی‌گونه‌گون زنان در تمام گستره‌ها تضمین شود.

در شروع این جنبش، همبود فمینیستی «زن، زندگی، آزادی» با هدف تدوین «اعلامیه حقوق زنان ایرانی» و بیان چشم‌انداز حقوق زنان در قانون اساسی آینده گرد هم آمدند. کاری که در انقلاب‌های پیشین به‌طور عمده نادیده گرفته شده بود. این نوشتار (و همچنین سایر منشور‌هایی از این دست) شامل تدابیر و ابتکاراتی است که سعی دارد از تکرار پشت‌کردن به مطالبات زنان و خیانت‌های گذشته جلوگیری کند و اطمینان حاصل کند که صدای زنان و خواسته‌هایشان در کانون مرکزی شکل‌گیری آینده کشور قرار خواهد گرفت.



تظاهرات زنان ایرانی در برابر دانشگاه تهران در اعتراض به مواد تبعیض آمیز قانون اساسی و با مطالبه حذف آنها  
(ژوئن ۲۰۰۵/۱۳۸۴)

## سخنی با خوانندگان

اگرچه هدف ما تدوین لایحه حقوق زنان است و نه یک قانون اساسی کامل، اما به ناگزیر باید چارچوب بنیادین و خطوط کلی قانون اساسی همراستا با روح لایحه مورد نظر را مدون می‌کردیم، قانون اساسی‌ای که حفاظت از حقوق ما را تضمین کند. به همین منظور، ما اصول اساسی، روح و ارزش‌هایی را که برای این قانون اساسی ضروری می‌دانیم، مشخص کرده‌ایم. این سند با دیدگاهی چند وجهی و در هم تنیده پشتیبان مطالبات گسترده‌تر ما برای برابری جنسیتی و عدالت اجتماعی است. چهارده ماده نخست این سند بر اصول بنیادین و روح قانون اساسی تمرکز دارد، اصولی که ما آن‌ها را برای تحقق و تأمین حقوق مندرج در این سند ضروری می‌دانیم. تنها پس از این بخش، به‌طور مشخص بر مطالبات حقوقی زنان در قانون اساسی تمرکز خواهیم کرد.

به‌طور کلی، دو نوع قانون اساسی وجود دارد. برخی از قانون‌های اساسی حداقلی هستند و تنها به بیان دغدغه‌های اصلی و چارچوب کلی حقوقی و سیاسی کشور می‌پردازند، و توسعه قوانین و سیاست‌های تفصیلی را به سیاستمداران، حقوق‌دانان، و دستگاه قضایی واگذار می‌کنند. با این حال، با توجه به تجربیات زنان در ایران و منطقه، و همچنین تمایل به نادیده گرفتن مطالبات زنان تحت پوشش فرهنگ و مذهب، ما مسیر دوم را برگزیده‌ایم. این رویکرد به مسائل حقوقی، سیاسی، و اقتصادی با جزئیات بیشتری می‌پردازد و فضای کمتری برای تفسیر محافظه‌کارانه سیاستمداران در جهت نادیده گرفتن یا تضعیف اهداف ما باقی می‌گذارد.

ما لایحه را در دو نسخه ارائه می‌کنیم. نسخه‌ی خلاصه‌تر شامل ماده‌های اصلی است که چارچوب قانون اساسی مورد نظر ما را ترسیم می‌کند قانونی که به حقوق شهروندان پاسخ داده و خواسته‌های مشخص زنان را در بر می‌گیرد. این نسخه فاقد تفسیر یا دارای حداقل توضیحات است که با سبک مرسوم در نوشتار قانونی اساسی همراستا است.

در مقابل، نسخه‌ی مفصل‌تر، به دلیل سلطه‌ی نگرش مردسالارانه در تفسیر قوانین اساسی، شامل زیرماده‌های دقیقی برای هر ماده‌ی اصلی است تا پیامدهای آن را برای قانون‌گذاری ملی و سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی روشن کند. هدف ما این است که هر ماده و زیرماده‌های آن به‌طور جامع توسط کارشناسان، زنان و شهروندان علاقه‌مند بررسی و تحلیل شود و پیشنهادهایی برای بهبود ارائه گردد. این فرآیند هم به آگاهی‌بخشی درباره‌ی مسائل مرتبط با حقوق زنان کمک می‌کند و هم به اصلاح و تکمیل لایحه یاری می‌رساند.

ما تاکنون چندین وبینار و گروه‌های بحث و گفت‌وگو سازمان‌دهی کرده‌ایم و در نظر داریم در آینده نیز موارد بیشتری با محوریت ماده‌های مختلف لایحه برگزار کنیم تا زمینه‌ی بحث و تبادل نظر بیشتر را فراهم سازیم. همچنین، از سازمان‌های زنان در داخل و خارج از کشور دعوت می‌کنیم تا در فرآیند تکمیل و بهبود این لایحه مشارکت کنند و در پیشبرد آن سهیم باشند.



**8<sup>th</sup> MARCH 2023  
INTERNATIONAL  
WOMEN'S DAY  
CELEBRATION:  
WOMEN, LIFE,  
LIBERTY**

Please join us for reflections on the Iranian Women, Life, Liberty (زنان، زندگی، آزادی) Movement, and the prospects for women's empowerment and leadership in Iran and the Middle East

**Wednesday, 8 March, 2023, 6:15-8:45 p.m.**  
Eastern Time (Canada and the US)

**Schedule of Events**

6:15-6:45: Registration and Reception

TICKET  
RESERVATION

## لایحه حقوقی زنان ایران : سندی پویا

### مقدمه : چشم‌انداز ما برای قانون اساسی دموکراتیک آینده

" همبود فمنیستی " بر کرامت ذاتی، برابری و حقوق تمامی زنان و مردان به‌عنوان اصول بنیادین عدالت، آزادی و دموکراسی و همچنین بر تکثر و چندصدایی در ایران باز سازی و نوسازی شده ی آینده تأکید می‌کند. همبود فمنیستی خواستار آن است که موانع همیشگی برابری جنسیتی ریشه کن شود و جامعه آینده ایران نسبت به نابودی تبعیض و سرکوب سیستماتیک علیه زنان و دیگر اقشار و گروه های بی جا (رانده شده) در مناسبات قدرت جامعه، تعهدی محکم و قاطع داشته باشد. همبود فمنیستی با مشارکت گروه متعدد و متنوع زنان فعال مدنی، حقوق دانان، دانشگاهیان از اکتبر ۲۰۲۲ /۱۴۰۱ شروع و با چندین دوررفت و برگشت تدوین و در بازخورد شمار زیادی پیشنهاد از داخل و خارج ایران به صورت نسخه دهم نهایی شد.

این نوشتار حقوقی، که ما بر آن نام لایحه زنان را نهاده ایم، خواسته‌های ما را بیان کرده و تأکید می‌کند که حقوق زنان و حقوق بشر، جهانی و غیر قابل تفکیک هستند. ما باور داریم که برقراری حقوق بشر و پایداری دموکراسی کثرت گرا تنها از مسیر تحقق حقوق زنان امکان پذیر می‌گردد.

این یک فراخوان برای اقدام به تحول قانونی و اجتماعی است که اطمینان می‌دهد، هر زن در ایران و رای نژاد، انتیک، مذهب، وضعیت اقتصادی-اجتماعی و توانایی یا هویتی، می‌تواند زندگی‌عاری از خشونت، تبعیض و ترس داشته باشد و به‌نحو احسن و کامل به فرصت‌ها و منابع مناسب ظرفیت های خود، دسترسی پیدا کند.

ما به دموکراسی کثرت گرا باور داریم که بر اساس تعهد به اعلامیه جهانی حقوق بشر بنا می‌شود و چرخش مسالمت آمیز قدرت را برای ساخت آینده ای با کرامت انسانی و تکثر سیاسی هموار می‌کند . ما با پرهیز از فراموشی تاریخی و درس گرفتن از گذشته برآنیم که به لزوم حفاظت از حقوق قانونی زنان با همه گوناگونی‌هایشان در قانون اساسی آینده پافشاری کنیم. ما هوشیار خواهیم بود که برابری جنسیتی به یک واقعیت قانونی بستر ساز فرهنگی، اجتماعی غیر قابل برگشت تبدیل شود.

برای دستیابی به کرامت زنان و تمامی شهروندان و ساکنان، ایران باید حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸/۱۳۲۷، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶/۱۳۴۵، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶/۱۳۴۵، کنوانسیون حذف تمامی اشکال تبعیض علیه زنان ۱۹۷۹/۱۳۵۷، کنوانسیون ضد شکنجه ۱۹۸۱/۱۳۶۲، اعلامیه حذف خشونت علیه زنان ۱۹۹۳/۱۳۷۲، و اجرای قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل (۲۰۰۰/۱۳۷۹) همراه با قطعنامه‌های پیرو را مصوب و رعایت کند. این اصول باید سنگ بنای قانون اساسی ایران در نظر گرفته شود.

ما باور و تاکید داریم که در کنار رسیدگی به جرایم کیفری، تمامی اشکال بی‌عدالتی قانونی - به ویژه، آن هایی که زنان و گونه گونی دینی را هدف قرار می‌دهند- و همچنین اعدام‌ها، شکنجه‌ها و زندانی کردن های سیاسی، و هر گونه تعرض های جنسی -جنسیتی باید از طریق چارچوبی از عدالت انتقالی که در قانون اساسی در نظر و قوام گرفته است، مورد رسیدگی قرار گیرد. عدالت انتقالی نه تنها وسیله‌ای برای رسیدگی به سوءاستفاده‌های گذشته است، بلکه یکی از ارکان حیاتی برای پرورش

فرهنگی خشونت پرهیز حامی صلح و گفت‌وگو و زمینه ساز برای عدم تکرار رفتار های مشابه در آینده است.

ما حق تمامی افراد، به ویژه زنان، برای تعیین سرنوشت خود را تأکید می‌کنیم. ملت ایران تنها منبع مشروع قدرت، آزادی، کرامت انسانی و عدالت اجتماعی و حقوق غیرقابل نقص هر زن، شهروند و ساکنان ایران است.

## ۱. مفاد لایحه: خواسته های ما

### ۱. مجلس مؤسسان<sup>۳</sup>،<sup>۴</sup>

مجلس مؤسسان، که وظیفه تدوین و تصویب قانون اساسی را بر عهده دارد، باید نهادی منتخب و بازتاب‌دهنده تنوع جنسیتی، اتنیک<sup>۵</sup> و فرهنگی جامعه و متعهد به اصول جنبش 'زن، زندگی، آزادی' باشد. در تمامی حوزه‌های انتخاباتی، زنان باید حداقل ۵۰ درصد از نمایندگان را تشکیل دهند.

مجلس مؤسسان باید برای تدوین پیش‌نویس اولیه قانون اساسی با جریان‌های ذینفع، رایزنی و با نمایندگان شهروندان، احزاب و گروه های مدنی و سیاسی و مدافعان و فعالان حقوق زنان در سراسر ایران گفتگو کند. چنین فرآیند مشورتی و مشارکتی، فراگیری روح کثرت گرایانه و دموکراتیک حاکم در قانون اساسی را تضمین می‌کند.

۱.۱ پیش‌نویس قانون اساسی بعد از گفتگو با گروه های مردمی و متخصص، باید برای اعلام نظر در دسترس عموم قرار گیرد. رایزنی‌های عمومی باید در سراسر کشور انجام شود و زمان کافی برای دریافت و تأمل در بازخوردها در نظر گرفته شود.

---

آ توجه داشته باشید که در این سند، ما از واژه «حکومت» (State) برای اشاره به ساختار و نهادهای سیاسی کلی در قلمرو ایران استفاده کرده‌ایم. قانون اساسی (constitution) چارچوب حقوقی است که ساختار، اختیارات، وظایف یک دولت و همچنین حقوق و مسئولیت‌های شهروندان را تعریف می‌کند. «دولت» (government) به نهادها و گروه‌های مشخصی از افراد یا سیستمی گفته می‌شود که قدرت را اعمال کرده و امور کشور را مدیریت می‌کند.

<sup>۴</sup> جمع همبود فمینیستی پس از گفت‌وگوهای طولانی‌تصمیم گرفت که این لایحه‌باید از اصطلاحات حقوقی پیچیده پرهیز کند و به زبان ساده نوشته شود تا برای هر فرد علاقه‌مند، صرف‌نظر از آشنایی آن‌ها با اصطلاحات حقوقی، به راحتی قابل درک باشد.

<sup>۵</sup> پیش از تدوین این لایحه حقوقی، بحث‌های گسترده‌ای درباره استفاده از واژه «اتنیک» صورت گرفت، واژه‌ای که اخیراً توسط برخی پژوهشگران و کارشناسان ایرانی در این حوزه به‌کار گرفته شده است. برخی از ما با این انتخاب مخالف بودیم و از واژه‌های «قوم» و «اقوام» حمایت می‌کردیم، زیرا این واژه‌ها سابقه تاریخی طولانی‌تری دارند و برای افراد بیشتری آشنا و قابل درک هستند. با این حال، دیگران، از جمله افرادی با پیشینه‌های غیر فارسی، واژه «اتنیک» را ترجیح می‌دادند و اشاره داشتند که واژه «قوم» به مرور زمان بار معنایی منفی شدیدی پیدا کرده است. در نهایت، جمع تصمیم گرفت از واژه «اتنیک» استفاده کند، با وجود این که بسیاری از ما همچنان در این باره تردید داریم.

۱.۲ پیش‌نویس قانون اساسی بعد از گفت‌گوبا گروه های مردمی و متخصص، باید برای اعلام نظر در دسترس عموم قرار گیرد. رایزنی‌های عمومی باید در سراسر کشور انجام شود و زمان کافی برای دریافت و تأمل در بازخوردها در نظر گرفته شود.

۱.۳ قانون اساسی باید پس از رایزنی‌های لازم و در نظر گرفتن بازخوردهایی که در جریان رایزنی‌ها از عموم مردم دریافت شده است، به تنها مرجع تصویب آن - یعنی مردم ارائه و از طریق همه پرسى مصوب گردد .

## ۲. سکولاریسم حکومتی<sup>۱</sup>

تشکیل حکومت سکولار و دموکرات مبتنی بر عدالت اجتماعی و اقتصادی با هدف پیاده‌سازی دموکراسی سالم و کثرت‌گرا و به رسمیت شناختن حراست، و ارتقای حقوق همه شهروندان و ساکنان کشور، فارغ از خاستگاه‌های جنسی-جنسیتی، نژادی، اتنیک، دین باور و دین ناباور، و دیگر

۲.۱ مؤلفه‌های هویتی اهمیت بنیادین دارد. قانون اساسی باید سکولار باشد به طوری که در حکومت آینده عدم مداخله دین در وضع قوانین و اداره کشور تضمین شود. ۱ در اسناد رسمی نباید هویت دینی شهروندان و ساکنان کشور ثبت شود.

۲.۲ دین امری خصوصی است. قانون اساسی باید انجام مناسک دینی شهروندان را مادامی که مخل آرامش سایر شهروندان نباشد، به عرصه عمومی کشیده نشود و به حقوق انسانی و زیست‌محیطی آسیبی نزنند، تضمین کند.

۲.۳ قانون اساسی باید به اصل تفکیک قوای سه گانه مقننه، مجریه و قضاییه تاکید، و مصرا نه حکومت را ملزم به رعایت تفکیک قوای سه گانه مزبور کند. هدف از رعایت این اصل، تضمین تمامیت نظام و روح کثرت‌گرایانه و دموکراتیک است. پایبندی به تفکیک قوا منجر به شفافیت حکومت و مانع تمرکز قدرت می شود.

## ۳. تعهد به معیارهای بین‌المللی حقوق بشر

قانون اساسی باید همه حقوق بنیادین بشر را مطابق با اعلامیه جهانی حقوق بشر را برای شهروندان و ساکنان قلمرو کشور ایران صرف‌نظر از ، اتنیک، دینی، نژادی، گرایش جنسی-جنسیتی و مؤلفه‌های هویتی دیگر را به رسمیت بشناسد و تضمین کند. حقوق بشر، همان‌طور که در اعلامیه جهانی حقوق بشر (UDHR) تعریف شده است، باید برای تمامی شهروندان و تمامی افرادی که در قلمرو کشور زندگی می‌کنند، بدون در نظر گرفتن نژاد، جنسیت، قومیت، گرایش جنسی، دین، یا هر هویت دیگری، در قانون اساسی تثبیت شود. همین‌طور برنامه ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد و اصول و روح آن باید جهت‌گیری اخلاقی قانون اساسی را در تمامی نهادهای حکومتی شکل دهد. در همین راستا قانون اساسی باید تأسیس یک کمیسیون مستقل حقوق بشر الزامی کند تا ضمن نظارت بر وضعیت حقوق بشر، ترویج و گسترش ارزش‌های آن را نیز بر عهده داشته باشد.

۳.۱ حقوق بشر جهانی در ۹ سند محوری به انضمام پروتکل‌های اختیاری آن ها درج شده است که عبارتند از اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸/۱۳۲۷ (UDHR)، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶/۱۳۴۵ (ICCPR)، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶

---

<sup>۱</sup> در حالی که ما به بحث‌های جاری پیرامون سکولاریسم و شیوه‌های گوناگون اجرای آن در کشورهای مختلف آگاه هستیم، در این سند، منظور ما مشخصاً جدایی دین از دولت است—بدین معنا که دین نباید هیچ گونه نقشی در امور حکومتی داشته باشد.

۱۳۴۵/ (ICESCR)، کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان ۱۳۵۷/۱۹۷۹ (CEDAW)، اعلامیه رفع خشونت علیه زنان ۱۳۷۲/۱۹۹۳ (DEVAW)، کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها و یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی، یا تحقیرآمیز ۱۳۶۳/۱۹۸۴ (UNCAT)، کنوانسیون حقوق کودک (UNCRC) و قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد و دیگر قطعنامه‌های پیوسته به آن.<sup>۷</sup> قانون اساسی باید متضمن و پاسدار مجموعه‌ای جامع و متشکل از حقوق بنیادی، از جمله برابری و رفع تبعیض و در هماهنگی با روح و محتوایی کامل با این اسناد باشد.

۳.۲ به منظور تضمین و حراست از حقوق بشر، حکومت باید متعهد به تصویب و تنفیذ ۹ سند محوری حقوق بین‌المللی بشر باشد و پروتکل‌های اختیاری آن‌ها را بی‌هیچ قید و شرطی امضا و تصویب کند، از جمله پروتکل‌های کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان ۱۳۵۷/۱۹۷۹ (CEDAW)، اعلامیه رفع خشونت علیه زنان) و ۱۳۷۲/۱۹۹۳ (DEVAW)، و پروتکل کنوانسیون علیه شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی، یا تحقیرآمیز ۱۹۸۴ و پروتکل‌های مربوط به ممنوعیت مجازات اعدام.

۳.۳ اسناد بین‌المللی حقوق بشر و اصول و روح و اهداف مندرج در آن‌ها باید در قانون اساسی و مفاد آن گنجانده شوند و در تفسیر این حقوق، مورد توجه قرار گیرند.

۳.۴ قانون اساسی باید مجازات اعدام را ممنوع کند و به طور قانونی این خواسته دیرینه جامعه مدنی ایران را محقق کند.

۳.۵ احترام به حقوق بشر: حمایت از مفاد حقوق بشر و تضمین حمایت از آزادی‌های مدنی، آزادی بیان، آزادی آکادمیکی (علمی و دانشگاهی) و حاکمیت قانون ملی عادلانه و منصفانه.

۳.۶ در قانون اساسی باید تشکیل نهاد مستقل حقوق بشر، در راستای لایحه بین‌المللی حقوق بشر و اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸/۱۳۲۷ (ICCPR, UDHR, ICESER) و با پیروی از اصول پاریس منظور گردد.<sup>۸</sup> این نهاد باید به ترویج، و حمایت حقوق بشر برای همه اقشار مردم اختصاص داشته باشد و وظائف آن نظارت و بررسی موارد نقض حقوق بشر در کشور است. این سازمان باید مستقل از نهاد های دیگر دولت به امور حقوق بشری بر پایه معیارهای بین‌المللی فعالیت کند تا از

---

<sup>۷</sup> شورای امنیت سازمان ملل متحد ۱۰ قطعنامه در مورد «زنان، صلح و امنیت» تصویب کرده است. این قطعنامه‌ها عبارتند از: ۱۳۲۵ در سال ۲۰۰۰، ۱۸۲۰ و ۱۸۸۸ در سال ۲۰۰۹، ۱۸۸۹ در سال ۲۰۱۰، ۱۹۶۰ در سال ۲۰۱۱، ۲۰۱۰ و ۲۱۲۲ در سال ۲۰۱۳، ۲۲۴۲ در سال ۲۰۱۵، ۲۴۶۷ و ۲۴۹۳ در سال ۲۰۱۹. این قطعنامه‌ها چارچوب برنامه «زنان، صلح و امنیت» را تشکیل می‌دهند.

<sup>۸</sup> اصول پاریس مجموعه‌ای از دستورالعملی است که سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۳ به منظور تعیین استانداردهای نهاد های حقوق بشر (NHRI) تصویب کرده است. این اصول الزامات مربوط به استقلال کمیسیون حقوق بشر، تکررگرای و کارکرد موثر این نهاد ها در ترویج و حفاظت از حقوق بشر را تضمین می‌کند.

طرف سازمان ملل به رسمیت شناخته شود، همچنین این سازمان باید مستقل از دولت با دفاتر حقوق بشری سازمان ملل ارتباط داشته باشد.

#### ۴. تضمین معاهدات بین‌المللی حقوق بشر در سطح ملی

تمامی کنوانسیون‌های سازمان ملل متحد که به امضا و تصویب دولت به نمایندگی از طرف ملت و حکومت ایران می‌رسد باید از نظر قانونی لازم‌الاجرا باشند و به نحو مقتضی در همه انواع قوانین ایران بازتاب یابند.

۴.۱ حکومت باید مفاد تعهدات و استانداردهای معاهدات بین‌المللی مصوب را در چارچوب قانونی کشور بگنجاند و دادگاه‌ها و مقامات داخلی را به رعایت آن‌ها ملزم کند.

۴.۲ دولت باید در آگاهی و اطلاع رسانی مفاد این معاهدات و قوانین داخلی منتج از آنها به مجاری ذی ربط از جمله مقامات حکومتی، قضات، وکلا، سازمان‌های جامعه مدنی و عموم مردم متعهد باشد.

۴.۳ برای اطمینان از اجرای مؤثر این معاهدات، دولت باید در درون وزرات خانه‌ها و دستگاه‌های حکومتی با توسل به نهادهای تخصصی و مستقل مانند کمیسیون حقوق بشر، سازوکارهایی نظارتی ایجاد کند. این نهاد نظارتی باید به صورت مرتب و دوره‌ای گزارش‌هایی درباره پایبندی کشور به معاهدات فوق تهیه کند و به نهادهای ملی و مدنی و نهادهای بین‌المللی ذی‌ربط ارائه دهد.<sup>۹</sup>

۴.۴ حکومت باید برای موارد نقض مفاد این معاهدات، راهکارهای مناسب و مؤثری تدارک ببیند. این راهکارها شامل رسیدگی عادلانه، پرداخت غرامت، و سایر اشکال جبران خسارت می‌شود.

۴.۵ حکومت موظف است برای نقض مفاد این معاهدات، راهکارهای مؤثر حقوقی فراهم کند. این امر شامل تضمین دسترسی قربانیان به عدالت، پیگرد و مجازات ناقضان حقوق بشر، جبران خسارت، و سایر اشکال ترمیم و احقاق حق برای کسانی است که از نقض حقوق خود آسیب دیده‌اند.

#### ۵. نیروهای مسلح ملی

نیروهای مسلح صرفاً به منظور دفاع از حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور در برابر تهدیدهای خارجی تشکیل می‌شوند. تحت هیچ شرایطی استفاده از نیروهای مسلح علیه مردم کشور مجاز نیست.

---

<sup>۹</sup> Civil society organizations may and should prepare shadow reports in order to provide an independent assessment

همچنین نیروهای مسلح حق آغاز هیچ‌گونه اقدام تجاوزکارانه علیه سایر کشورها را ندارند، مگر در چارچوب دفاع مشروع در صورت وقوع حمله.

۵.۱. نیروهای مسلح همواره تحت اختیار و فرمان مقام عالی کشور که از طریق انتخابات دموکراتیک برگزیده شده است قرار دارند و نظارت و کنترل غیرنظامی بر نیروهای مسلح باید در تمامی شرایط تضمین شود.

۵.۲. اعضای نیروهای مسلح، به‌عنوان شهروندان کشور، از حق کامل رأی برخوردارند؛ با این حال، نیروهای مسلح به‌عنوان یک نهاد باید کاملاً غیرسیاسی باقی بمانند و از هرگونه مداخله، نفوذ یا مشارکت در فعالیت‌ها و فرآیندهای سیاسی یا اعمال قدرت حکمرانی خودداری کنند.

۵.۳. نیروهای مسلح حق مداخله در فرآیندهای سیاسی، تصدی یا اعمال قدرت حکومتی، یا دخالت در دوره‌های گذار سیاسی را ندارند و موظف‌اند تضمین کنند که نظام دموکراتیک و حاکمیت مردم در همه حال محترم شمرده و حفظ شود.

## ۶. نهاد دیوان عالی قانون اساسی

ایجاد نهاد دادگاه قانون اساسی باید در قانون اساسی پیش بینی شود. مسئولیت اصلی این دادگاه تفسیر اصول قوانین کشوری در سایه روح و ارزش های قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر است. دادگاه عالی قانون اساسی باید تضمین کند که قوانین و سیاست‌ها با ارزش‌ها، روح آزادی و مواد مندرج در قانون اساسی همخوان و سازگار باشند.

۶.۱. جامعه مدنی و سازمان های زنان و حقوق بشری می توانند شکایات مستند خود را در ارتباط با عدم برابری انواع قوانین و سیاست های جاری جنسیتی به کمیسیون مستقل برابری جنسیتی ارجاع دهند. افراد نیز می توانند پس از طی مراحل قانونی جاری در نهاد های مرتبط، شکایت خود را در راستای برقراری روح برابری جنسیتی و حقوق شهروندی به کمیسیون های مربوط دادگاه عالی ارجاع دهند.

## ۷. ایجاد کمیسیون مستقل انتصابات قضایی

قانون اساسی باید کمیسیون مستقل انتصابات قضایی را برای نظارت بر انتصاب قضات ایجاد کند. این کمیسیون از حقوقدانان برجسته و مستقل در حوزه حقوق اساسی، متخصصان حقوقی، قضات باتجربه و نمایندگان مستقل پارلمان تشکیل خواهد شد. ترکیب این کمیسیون باید استقلال سیاسی آن را تضمین کرده و توازن جنسیتی را در میان همه گروه‌های عضویت رعایت کند. تمامی انتصابات قضایی باید با تأیید پارلمان انجام گیرد.

## ۸. کمیسیون مستقل حقوق بشر و برابری جنسیتی

قانون اساسی باید یک کمیسیون مستقل حقوق بشر را، در چارچوب اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR)، و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR)، و مطابق با اصول پاریس، ایجاد کند. مأموریت این کمیسیون ترویج و حمایت از حقوق بشر و برابری برای همه افراد است. وظیفه این کمیسیون نظارت، بررسی و تحقیق درباره موارد نقض حقوق بشر در کشور خواهد بود. این کمیسیون باید به‌طور کامل مستقل از سایر نهادهای دولتی عمل کند؛ شرطی اساسی برای آن‌که از سوی سازمان ملل متحد به‌عنوان

یک نهاد مستقل حقوق بشر به رسمیت شناخته شود. همچنین این کمیسیون باید بتواند روابط مستقیم و مستقل با شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد برقرار کند، بدون آنکه در این ارتباطات مداخله‌ای از سوی دولت صورت گیرد.

## ۹. کمیسیون برابری جنسیتی اتنیکی و فرهنگی

قانون اساسی باید کمیسیون مستقل برابری، جنسیتی و اتنیکی را ایجاد کند تا بر رعایت اصول برابری جنسیتی و اتنیکی نظارت داشته باشد و به نهادهای قانون‌گذاری و سایر مراجع تفتینی و همچنین به سیاست‌گذاری‌های دولتی مشاوره و توصیه‌های لازم ارائه دهد. هدف از ایجاد این کمیسیون آن است که روح و اجرای عملی برابری جنسیتی و قومی در تمامی اقدامات دولت و نهادهای قانون‌گذاری رعایت و تضمین شود.

## ۱۰. کمیسیون ترویج و حمایت از حقوق جوامع فرهنگی، دینی و زبانی

این کمیسیون یک نهاد مستقل قانون اساسی خواهد بود که مسئولیت صیانت و حمایت از حقوق جوامع متنوع فرهنگی، دینی و زبانی کشور را بر عهده دارد. این کمیسیون موظف است انسجام اجتماعی، احترام متقابل، صلح، تفاهم و وحدت ملی را در میان این جوامع تقویت و ترویج کند.

این کمیسیون همچنین موظف است پژوهش‌های لازم را انجام داده و توصیه‌های مشورتی به نهادهای سیاست‌گذار ارائه دهد و گزارش فعالیت‌های خود را به پارلمان ارائه کند. از طریق انجام این وظایف، این کمیسیون نقش مهمی در تقویت دموکراسی قانون اساسی ایفا خواهد.

## ۱۱. کمیسیون برنامه درسی، معیارهای آموزشی و آزادی آکادمیک

یک کمیسیون ملی مستقل برای برنامه‌های درسی، کتاب‌های درسی و معیارهای آموزشی تأسیس خواهد شد. این کمیسیون از متخصصان آموزش، علوم تربیتی و حوزه‌های علمی مرتبط تشکیل می‌شود و در ترکیب آن باید توازن جنسیتی و تنوع فکری رعایت شود.

۱۱.۱. این کمیسیون موظف است دستورالعمل‌های مربوط به برنامه‌های درسی مدارس، کتاب‌های درسی و روش‌های آموزشی را تدوین کرده و به‌طور دوره‌ای مورد بازبینی قرار دهد. مواد آموزشی باید از استانداردهای دقیق علمی برخوردار باشند، روح پرسشگری و تفکر انتقادی را در دانش‌آموزان تقویت کنند و آنان را با دیدگاه‌ها و تفسیرهای متنوع درباره تاریخ، فرهنگ، دین و جامعه آشنا سازند.

۱۱.۲. این کمیسیون باید تولید و در دسترس بودن کتاب‌های درسی دوره ابتدایی به زبان‌های اقلیت‌های زبانی را تضمین کند و اطمینان حاصل نماید که کودکان متعلق به اقلیت‌های زبانی در دوره آموزش ابتدایی امکان تحصیل به زبان مادری خود را داشته باشند. در عین حال، کمیسیون باید تضمین کند

که مواد آموزشی لازم برای یادگیری زبان رسمی آموزش فراهم شود تا همه دانش‌آموزان به این زبان تسلط پیدا کنند.

۱۱.۳ آموزش نباید به‌عنوان ابزاری برای تلقین سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیک مورد استفاده قرار گیرد. برنامه‌های درسی و دستورالعمل‌های آموزشی باید پرسشگری فکری، احترام به حقوق بشر و ارزش‌های دموکراتیک را ترویج کنند.

۱۱.۴ این کمیسیون موظف است پژوهش‌های لازم را انجام دهد، به مراجع عمومی و نهادهای ذی‌ربط در زمینه سیاست‌های آموزشی مشاوره دهد و به‌طور دوره‌ای گزارش فعالیت‌های خود را به پارلمان ارائه کند.

۱۱.۵ آزادی آکادمیک در آموزش عالی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی باید از استقلال نهادی، علمی و اداری برخوردار باشند. اعضای هیئت علمی و دانشجویان حق دارند در پژوهش، آموزش، انتشار آثار علمی و جست‌وجو، تولید و انتشار دانش از آزادی آکادمیک بهره‌مند باشند، بی‌آنکه در معرض فشارهای سیاسی، ایدئولوژیک یا امنیتی قرار گیرند. این آزادی مستلزم پایبندی به استانداردهای حرفه‌ای، اخلاق پژوهش و احترام به حقوق و آزادی‌های دیگران است. همچنین، دولت موظف است شرایط لازم برای حفظ و تضمین این آزادی‌ها، از جمله امنیت شغلی و علمی، دسترسی آزاد به منابع علمی، و گردش آزاد اطلاعات را فراهم سازد.

## ۲ سازمان برنامه اقدام ملی<sup>۱۰</sup> (National Action Plan)

قانون اساسی باید ایجاد «سازمان برنامه اقدام ملی» (بر اساس قطعنامه ۱۳۲۵ زنان، صلح و امنیت) را الزامی کند و به آن بودجه‌ای کافی و لازم اختصاص دهد. هدف این سازمان، ارتقا و تسهیل مشارکت فعال و معنادار زنان در تمامی سازوکارها و نهادهای رسمی و غیررسمی مرتبط با پیشگیری، مدیریت و حل منازعات، با تأمین بودجه‌ای کافی، خواهد بود. برنامه اقدام ملی در حوزه زنان، صلح و امنیت باید مأموریت داشته باشد که با ادغام دیدگاه جنسیتی در تمامی ابتکارات و راهبردهای صلح و امنیت، به ترویج صلح، تقویت همبستگی ملی و پیشگیری از منازعات در سطوح محلی و ملی بپردازد.

این برنامه حوزه‌های زیر را در بر خواهد گرفت:

---

<sup>۱۰</sup> پایه و اساس این دستور کار با تصویب قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل در سال ۲۰۰۰ گذاشته شد، که نتیجه سال‌ها بسیج‌گری توسط مدافعان و سازمان‌های فراملی زنان بود. این قطعنامه تاریخی نقش حیاتی زنان را در مذاکره برای صلح و جلوگیری از درگیری‌های داخلی به رسمیت شناخت. با گذشت زمان، چارچوب زنان، صلح و امنیت (WPS) گسترش یافت و ۹ قطعنامه دیگر به آن اضافه شد تا رویکردی جامع‌تر به صلح و امنیت ارائه دهد. بسیاری از کشورها این قطعنامه‌ها را پذیرفته و متناسب با شرایط ملی خود تطبیق داده‌اند، و از آن‌ها به‌عنوان ابزارهایی برای پیشگیری از درگیری‌های بزرگ و حفاظت از حقوق بشر شهروندان، به‌ویژه زنان و دختران استفاده کرده‌اند. این تلاش جهانی مداوم، نقش غیرقابل‌انکار زنان را در فرایندهای صلح و ضرورت‌های همکاری مشارکت آن‌ها برای ایجاد صلح پایدار تأکید می‌کند.

۱۲.۱ پیشگیری از منازعه: ایجاد نظام‌های هشدار زود هنگام، چارچوب‌های پیشگیری از منازعه و سازوکارهای رسیدگی به شکایات و نارضاایتی‌ها، با هدف شناسایی و رسیدگی به منابع بالقوه تنش و درگیری در سطح ملی و بین‌المللی پیش از آن‌که به بحران تبدیل شوند. زنان باید بخش جدایی‌ناپذیر و محور اصلی در شکل‌گیری، تصمیم‌گیری و اجرای این فرایندهای پیشگیری از منازعه و صلح‌سازی باشند؛

۱۲.۲ گفتگو و میانجی‌گری: تشویق گفتگو، مذاکره و میانجی‌گری بین طرف‌های درگیر برای کمک به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات و جلوگیری از تشدید درگیری‌های خشونت‌آمیز؛

۱۲.۳ سیاست‌های کاهش تنش‌های زیست‌محیطی و اقتصادی: ارائه مشاوره به نهاد‌های دولتی برای سیاست‌گذاری‌های توسعه اقتصادی و سیاست‌های زیست‌محیطی با رویکرد مشارکت‌پذیری و هماهنگ‌کننده و ارائه پیشنهادهای راهبردی در راستای کاهش تنش‌های احتمالی ناشی از این سیاست‌ها؛

۱۲.۴ نقش زنان محلی، منطقه‌ای و ملی برای صلح: حمایت از سازمان‌های محلی، منطقه‌ای و ملی زنان و تشویق تبادل فرهنگی و به اشتراک‌گذاری تجارب حل اختلافات و درگیری‌ها؛

۱۲.۵ ایجاد انسجام اجتماعی: تشویق تعاملات بین‌گروهی، ترویج تبادل فرهنگی و تقویت انسجام اجتماعی با هدف همبستگی بیشتر میان جوامع مختلف کشور و ترویج حس وحدت ملی.

### ۱۳. کمیسیون تعهدات قانون اساسی و پاسخگویی عمومی

یک کمیسیون مستقل برای تعهدات قانون اساسی و پاسخگویی عمومی تأسیس خواهد شد تا میزان پایبندی و انطباق نهاد‌های عمومی با تعهدات قانون اساسی و تعهدات بین‌المللی را نظارت و ارزیابی کند. این کمیسیون اجرای سیاست‌های مرتبط با حقوق بشر، برابری جنسیتی، حفاظت از محیط‌زیست، و حقوق اقلیت‌های قومی، دینی و زبانی را بررسی خواهد کرد، نظرات و گزارش‌های ارائه‌شده از سوی جامعه مدنی را دریافت می‌کند، و برای تضمین شفافیت و پاسخگویی گزارش‌ها و توصیه‌های مستقل خود را به پارلمان و افکار عمومی منتشر خواهد کرد.

این کمیسیون همچنین بر ایجاد یک نهاد هماهنگ‌کننده بین‌دولتی (inter-governmental) نظارت خواهد داشت تا اطمینان حاصل شود که سیاست‌ها به یک وزارتخانه محدود نمی‌شوند و میان وزارتخانه‌ها و نهاد‌های ذی‌ربط هماهنگی لازم وجود دارد. این امر به‌ویژه برای تضمین آن اهمیت دارد که اصول برابری و حقوق بشر به‌طور مؤثر در تمامی وزارتخانه‌ها و نهاد‌های مرتبط ادغام و اجرا شوند.

#### ۱۴. عدالت انتقالی: پاسخ به دادخواهی‌ها<sup>۱۱</sup>

قانون اساسی باید تأسیس کمیسیونی متشکل از کارشناسان مستقل و برخوردار از منابع کافی را پیش‌بینی کند تا به‌عنوان نهادی مؤثر در چارچوب عدالت انتقالی، به جنایات سازمان‌یافته حکومت جمهوری اسلامی رسیدگی نماید. این کمیسیون موظف است انواع خشونت‌های دولتی از جمله اعدام‌های سیاسی خودسرانه و گسترده، شکنجه و حبس‌های غیرقانونی را که علیه هزاران مرد و زن، اعضای جامعه رنگین‌کمان، اقلیت‌های مذهبی، اصلاح‌طلبان دینی و دگراندیشان عقیدتی (از جمله دین‌ناباوران) از زمان تأسیس جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۷ تاکنون صورت گرفته است، مورد بررسی قرار دهد.

این نظام عدالت انتقالی باید بستری فراهم آورد تا قربانیان بتوانند روایت‌های خود را بیان کنند، عاملان به مسئولیت جنایات خود پاسخ‌گو شوند، و جامعه امکان مواجهه صادقانه با گذشته خشونت‌بار را بیابد. هدف این فرایند، ایجاد زمینه برای آشتی ملی، استقرار دموکراسی غیرخشونت‌آمیز و تبدیل این مسائل به بخشی از گفتمان عمومی و ملی است؛ همچنین باید با ثبت و تثبیت این وقایع در حافظه تاریخی، از تکرار چنین جنایاتی جلوگیری شود.

افزون بر این، این نظام باید سازوکاری روشن برای جبران خسارت و ارائه غرامت به قربانیان پیش‌بینی کند. در طراحی و اجرای چنین ساختاری، توجه دقیق به شرایط خاص ایران و بهره‌گیری از تجربیات سایر کشورها از جمله آفریقای جنوبی که ابتکارات مشابهی را به اجرا گذاشته‌اند، ضروری است.

#### ۱۵. عدالت انتقالی و زنان<sup>۱۲</sup>

زنان، به‌عنوان نیمی از جمعیت، از آغاز جمهوری اسلامی با خشونت سیستماتیک دولتی، مستقیم و غیرمستقیم، مواجه بوده‌اند. با وجود سرکوب، آنان پیشگام بسیج اجتماعی برای دادخواهی، حمایت از قربانیان خشونت حکومتی، و مطالبه عدالت برای آنان و خانواده‌هایشان بوده‌اند. این زنان با تکیه بر تجربیات زیسته و خرد جمعی خود، خواسته‌هایی را مطرح کرده‌اند که باید در چارچوب عدالت انتقالی گنجانده شود.

۱۵.۱ ترکیب کمیسیون کارشناسان در حوزه عدالت انتقالی باید حداقل ۵۰ درصد از زنان متخصص باشد. این کمیته همچنین باید شامل اقلیت‌های دینی و اثنیکی و اعضای جامعه رنگین‌کمان باشد.

---

<sup>۱۱</sup> از آنجا که طراحی عدالت انتقالی فراتر از هدف این سند است، ما به جای آن اصولی را که معتقدیم باید در این فرایند گنجانده شوند، ارائه کرده ایم.

<sup>۱۲</sup> به دلیل سرکوب گسترده و طولانی‌مدت در سال‌های حکومت اسلامی و آسیب‌های فیزیکی، روانی و مالی وسیعی که به زنان داغدار و خانواده‌هایشان وارد شده است، تلاش برای دستیابی به عدالت به یکی از ارکان اصلی تغییرات بنیادین اجتماعی تبدیل شده است. زنان، مادران، دختران و خانواده‌های داغدار، بار سنگین تلاش برای عدالت را در طول این دوره به دوش کشیده‌اند. در میان این زنان، گروه‌هایی مانند «مادران صلح»، «مادران خاوران»، «مادران پارک لاله» و سایر مادران داغدار و انجمن بازماندگان قربانیان پرواز PS۷۵۲ در ایران، کانادا و چند کشور مرتبط با پشتکار به دنبال عدالت بوده‌اند. این زنان، با وجود از دست دادن همسران، فرزندان، برادران و تحمل درد فقدان یا ستم‌های تحمیل‌شده بر آن‌ها، مسئولیت سازمان‌دهی زندگی بازماندگان را نیز بر عهده گرفته‌اند. از این رو، آن‌ها بخش قابل توجهی از گروه عدالت‌خواه را تشکیل می‌دهند.

۱۵.۲ کمیسیون متخصصان باید رایزنی‌های گسترده‌ای به‌ویژه با گروه‌های متشکل از زنان و مادران عدالت‌خواه انجام دهد و حق دستیابی به عدالت و دادخواهی و نه انتقام‌جویی را به‌گفتمان ملی تبدیل کند.

۱۵.۳ کمیسیون کارشناسان با در نظر گرفتن شرایط فرهنگی و اجتماعی مناسب‌ترین مسیر را برای ساماندهی نظام عدالت انتقالی انتخاب کند.

۱۵.۴ کمیسیون کارشناسان از طریق سیستم عدالت انتقالی، یک کمیته حقیقت‌یاب را تشکیل خواهد داد که وظیفه آن مستندسازی بی‌عدالتی‌های گوناگونی است که شهروندان - به‌ویژه زنان - تجربه کرده‌اند، این کمیته با در نظر گرفتن چالش‌های متقابلی که گروه‌های به‌کنار رانده شده با آن مواجه هستند، رویکردی حساس به جنسیت را مد نظر قرار می‌دهد و چالش‌های درهم‌تنیده‌ی اجتماعی، جنسیتی و انتیکی را در مستندسازی خود لحاظ می‌کند.

۱۵.۵ کمیته حقیقت‌یاب باید با سازمان‌های زنان که شهروندان را با دعوت به حقیقت، عدالت و جبران خسارت بسیج کرده و همچنین فرهنگ تساهل و گفت‌وگو را به‌یک فرهنگ همگانی تبدیل کرده‌اند، همکاری نزدیک داشته باشد.

۱۵.۶ اعمالان اصلی نقض حقوق بشر و سوء استفاده از شهروندان باید بر اساس قانون و طبق قوانین دادگاه‌های رسمی پاسخگو باشند.

۱۶. تأسیس «کمیسیون تحقیق، بررسی و ریشه‌یابی قوانین خشونت‌زاد و خشونت‌پرداز علیه زنان و اقلیت‌ها» با مأموریت شناسایی، ارزیابی و اصلاح قوانین و سیاست‌های تبعیض‌آمیز و خشونت‌زاد، و جایگزینی آن‌ها با قوانین منطبق بر اصول حقوق بشر و برابری.<sup>۱۳</sup>

قانون اساسی باید کمیسیون تحقیقات بررسی قوانین و ریشه‌یابی و ریشه‌کن کردن قوانین خشونت‌پرداز و خشونت‌زاد علیه زنان و اقلیت‌ها را تشکیل دهد. اهداف این کمیسیون بررسی موارد خشونت محور علیه اقلیت‌ها و زنان است که در نتیجه نقض هر دو وجه از تعهد دولت، یعنی نقض تعهدات مثبت دولت به مفهوم عدم ارتکاب خشونت علیه زنان و اقلیت‌ها، و نقض تعهدات مثبت دولت به مفهوم حمایت و ارتقای ایمنی برای زنان و اقلیت‌ها، توسط دولت صورت گرفته است. چنین تحقیقی باید در چارچوب سیدا (CEDAW) و اعلامیه حقوق بشر (Universal Declaration of Human Rights) و کنوانسیون سازمان ملل متحد برای ریشه‌کنی هر نوع خشونت و رفع همه اشکال

<sup>۱۳</sup> جامعه ایران، صرف نظر از جنسیت، نژاد، اقلیت‌های مذهبی به‌ویژه دین ناباوران و گروه‌های رنگین‌کمان (LGBTQ+)، نقض شدید حقوق بشر توسط دولت را به نام دین و «امنیت ملی» متحمل شده است. بررسی و شناخت این آسیب‌های ملی و رفع آن‌ها برای ایجاد ساختارهای حقوقی و فرهنگی قوی بر اساس اصول حقوق بشر و ایجاد فرهنگ ملی عدم خشونت ضروری است.

تبعیض باشد. «کمیسیون تحقیقات ملی» و کمیته‌های فرعی آن برای تحقق اهدافشانموظف به همکاری با تشکیلات اقلیت ها و «تشکیلات کشوری زنان» (ماده ۲۸ این سند) و «کمیسیون ملی زنان» (ماده ۲۹ این سند) و کمیته حقیقت‌یاب و آشتی ملی و نهاد مستقل حقوق بشر (ماده ۳.۳) و نظام عدالت انتقالی (ماده های ۱۵ و ۱۴ این سند) باشند.

۱۶.۱ کارشناسان این نهاد باید از میان متخصصان حوزه جنسیت انتخاب شوند و بازتاب‌دهنده تنوع هویتی جامعه، از جمله هویت‌های قومی، جنسی-جنسیتی، دینی و دین‌ناباوران باشند.

۱۶.۲ کمیسیون تحقیقات ملی موظف است کمیته‌هایی متشکل از کارشناسان حقوقی و مطالعات اجتماعی تشکیل دهد تا خشونت‌های قانونی علیه زنان و اقلیت‌های جنسیتی، مذهبی و قومیکه از بدو تأسیس جمهوری اسلامی در ابعاد مختلف زندگی خود تجربه کرده‌اندرا ارزیابی کند. در این ارزیابی، مقایسه با قوانین پیش از انقلاب نیز مدنظر قرار خواهد گرفت.

۱۶.۳ این ارزیابی‌ها باید به‌طور ویژه بر حوزه‌های زیر متمرکز باشد:

۱۶.۳.۱ تأثیر قوانین بر وضعیت خانوادگی و احوال شخصیه؛

۱۶.۳.۲ بررسی ابعاد مربوط به استقلال بدنی و حقوق جنسی-جنسیتی؛

۱۶.۳.۳ ارزیابی وضعیت اشتغال، مشارکت عمومی و مشارکت سیاسی.

۱۶.۴ ارزیابی آزادی‌های مدنی و شخصی: کمیسیون تحقیقات ملی می باید یافته‌ها و گزارش‌های کمیته‌ها را در دسترس عموم مردم، جامعه مدنی و سازمان‌های زنان و اقلیت‌های جنسی جنسیتی، مذهبی و اثنیکی، قرار دهد. هدف از آن شکل دادن و ترویج گفتمان‌های ملی گسترده در مورد اشکال مستقیم و نامحسوس خشونت علیه زنان و گروه‌های مزبور است.

۱۶.۵ کمیسیون تحقیقات ملی و کمیته‌های زیر مجموعه آن باید با تشکیلات کشوری امورزنان (ماده ۲۱ این سند)، کمیسیون ملی زنان (ماده ۲۲ این سند)، و نهاد مستقل حقوق بشر (ماده ۳.۳ این سند) و کمیسیون آشتی ملی و تشکیلات گروه‌های مختلف از جمله گروه‌های به حاشیه رانده شده همکاری کند، تا زمینه برای وحدت ملی و تشکیل یک فرهنگ دموکراتیک، رواداری و صلح طلب را فراهم آورد.<sup>۱۴</sup>

۱۶.۶ کمیسیون حقیقت‌یاب و کمیته‌های فرعی آن باید یافته‌های خود را در کنفرانس‌ها و کارگاه‌های آموزشی با قوه قضائیه و قوه مقننه به اشتراک بگذارند و بر اهمیت پرداختن به خشونت آشکار و ضمنی علیه زنان و اقلیت‌ها که طی دهه‌ها ادامه داشته است، تأکید کنند.

---

<sup>۱۴</sup> برای رسیدن به وفاق ملی نیاز به تشکیل یک کمیسیون آشتی ملی وجود دارد تا زمینه ایجاد جامعه‌ای دموکراتیک، بردبار و صلح‌دوست را هموار کند. اگرچه ما به اهمیت در هم تنیدگی مطالبات آگاهیم، با این حال، بحث درباره آشتی ملی بخشی از مأموریت این سند نبوده است. اما ما باور داریم که طراحی ساز و کارهای تامین عدالت اجتماعی و عدالت انتقالی و آشتی ملی به صورت در هم تنیده و توأمان باید طراحی و اجرا شود.

۱۶.۷ کمیسیون حقیقت یاب و کمیته‌های فرعی آن موظف به شناسایی و حذف سیاست‌ها و رویه‌های جمهوری اسلامی است که تبعیض و خشونت ساختاری علیه زنان و هویت‌های گونه‌گون را از طریق چارچوبی در هم تنیده تثبیت می‌کند. هدف از آن شناسایی و حذف آسیب‌هایی است که گروه‌هایی را با توجه به شرایطشان به حاشیه رانده است، از جمله گروه‌هایی که دچار آوارگی اجباری شده‌اند، اقلیت‌های دینی، و اعضای جامعه رنگین کمان و غیره

۱۶.۸ کمیسیون تحقیقات ملی و کمیته‌های فرعی آن باید پژوهشی جامع درباره اشکال متفاوت خشونت جنسیت محور، از جمله اسید پاشی، قتل ناموسی، و حمله به گروه‌های جنسی-جنسیتی و آزار و اذیت زنان و اقلیت‌ها انجام و یافته‌های خود را در دسترس عموم قرار دهد، و سیاست‌های پیشگیرانه مناسب را توصیه کند.

۱۶.۹ «کمیسیون تحقیقات ملی» همه اشکال قلدری در فضای مجازی و خشونت و تهدید مبتنی بر جنسیت، انتیک و اقلیت‌های مذهبی در فضای مجازی از جمله خشونت سایبری که به طور خاص معطوف به زنان و اقلیت‌های جنسی-جنسیتی و مذهبی است را باید جرم تلقی کند و در این باره تحقیقات لازم انجام و توصیه‌های قانونی و اجتماعی مناسب را برای پیشگیری از آن‌ها ارائه دهد.

۱۶.۱۰ «کمیسیون تحقیقات ملی» باید با همکاری «تشکیلات کشوری امور زنان» (ماده ۲۱ این سند) و «کمیسیون ملی زنان» (ماده ۲۲ این سند) و تشکیلات اقلیت‌ها توصیه‌های مربوطه را تدوین و به نهادهای قانون‌گذاری ارائه کند تا تغییرات قانونی لازم برای ریشه‌کن کردن تمامی ابعاد خشونت جنسیت و اقلیت محور محقق گردد.

۱۶.۱۱ کمیسیون تحقیقات ملی باید سیاست‌ها و توصیه‌های جامعی را تدوین و به دولت ارائه کند تا بر اساس آن‌ها قوانین مناسب برای جلوگیری از خشونت، آزار و اذیت علیه زنان و اقلیت‌ها در همه مظاهر آن، در خانه یا مکان‌های عمومی، مدارس، مؤسسات آموزشی، و محل‌های کار تدوین گردد. این تحقیقات باید بر ارزیابی تأثیر قانون بر وضعیت خانوادگی و شخصی و همچنین بررسی جنبه‌های استقلال جنسی و بدنی، اشتغال، مشارکت عمومی و سیاسی و آزادی‌های مدنی و شخصی تأکید کند. ضروری است که یافته‌ها و گزارش‌های کمیته‌ها در سطح عموم مردم و جامعه مدنی و سازمان‌های زنان منتشر و در مورد آن‌ها گفتمان‌های گسترده ملی صورت گیرد. این امر در راستای ارتقای آگاهی عمومی برای عدم پذیرش هر گونه خشونت علیه زنان و اقلیت‌ها، اعم از مستقیم، پنهان و غیرمستقیم است.

۱۶.۱۲ کمیسیون تحقیقات ملی باید گزارش نهایی خود را در باره گذشته و حال به ویژه عملکرد جمهوری اسلامی در فرایند خشونت زای اسلامی کردن قوانین مربوط به زنان و اقلیت‌ها منتشر

کند و در راستای اصلاح و ریشه کن کردن این خشونت ها، پیشنهادات لازم را ارائه دهد. دولت باید به این یافته ها و توصیه ها و اجرای آن ها در مدت زمان تعیین شده به عمل درآیند .

۱۶.۱۳ کمیته حقیقت یاب موظف است قوانین، سیاست ها، و رویه های موجود دولتی را که تبعیض و خشونت ساختاری علیه زنان و اقلیت ها را عادی سازی کرده و می کند، شناسایی و بر لغو آن ها تأکید کند، از جمله آسیب های درهم تنیده مؤثر بر گروه های اقلیتی، اقلیت های دینی، و جنسی-جنسیتی. (بدیهی است، قوانینی که بر اساس قانون اساسی پیرو اصول حقوق بشر نوشته و تنظیم می شود چنین ویژگی هایی را در بر نخواهد داشت).

۱۶.۱۴ «کمیسیون تحقیقات ملی» با همکاری «تشکیلات زنان» و «کمیسیون ملی زنان» باید از همخوانی و هماهنگی قوانین موجود و جدید با اسناد مربوط به حقوق بشر بین الملل، به ویژه کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان (CEDAW) و اعلامیه رفع خشونت علیه زنان (DEVAW) اطمینان حاصل کنند.

۱۶.۱۵ قوانین جدیدی که برای منع خشونت مبتنی بر جنسیت و اتنیک تصویب می شوند باید در بر گیرنده مقررات پیشگیرانه قوی شامل رسیدگی به خشونت خانگی، آزار جنسی، قتل های ناموسی، ناقص سازی اندام جنسی زنان (ختنه زنان) و اقلیت باشند.

۱۶.۱۶ «کمیسیون تحقیقات ملی»، همراه با «تشکیلات امور زنان ماده ۲۱ این سند» و «کمیسیون ملی زنان ماده ۲۲ این سند» باید از طریق توسعه راه های ارتباطی و شبکه های اطلاع رسانی فعال شود و به ارتقای آگاهی عموم مردم از قوانین حمایت از حقوق زنان نقش موثری داشته باشد.

۱۶.۱۷ حکومت باید اعضای پلیس، نیروهای امنیت عمومی، و قوه قضائیه را به گذراندن دوره های آموزشی در مورد مسائل جنسی-جنسیتی و حقوق زنان موظف کند.

### ۱۷. حقوق شهروندی زنان : برابری و عدم تبعیض در برابر قانون

همه افراد در قلمرو ایران صرف نظر از تابعیت، دین، گرایش جنسی- جنسیتی، و اتنیک و مؤلفه های هویتی دیگر در برابر قانون و تحت آن برابری و حق برخورداری از حفاظت و مزایای برابر را دارند. حکومت موظف است همه اقدامات لازم را برای تحقق این حقوق بدون تبعیض اتخاذ کند.

۱۷.۱ حکومت باید در لغو قوانین تبعیض آمیزی که نابرابری جنسی - جنسیتی و گروه های به حاشیه رانده شده را در عرصه های مدنی، سیاسی و اقتصادی تداوم می بخشند، فعالانه اقدام کند. دولت باید به طور فعال برابری جنسیتی را تضمین کند و هرگونه تبعیض قانونی علیه زنان و اقلیت ها را از بین ببرد.

۱۷.۲ حکومت همچنین باید تمامی قوانین موجود کشور را مطابق با اسناد بین‌المللی حقوق بشر که ضامن برابری جنسیتی و اتنیکی و مؤلفه‌های هویتی دیگر هستند، در راستای تطابق با این ماده به صورت بنیادین تدوین، بازبینی و یا تغییر دهد.

۱۷.۳ حکومت باید برابری جنسیتی را فعالانه تضمین کند و هرگونه تبعیض قانونی علیه زنان و اقلیت‌ها را از بین ببرد.

۱۷.۴ قانون اساسی باید حقوق شهروندی برابر برای تمامی شهروندان و حمایت از ساکنان کشور را تأمین کند.

۱۷.۵ قانون اساسی باید حق آزادی اندیشه و بیان و آزادی های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برای تمام شهروندان و ساکنان کشور به ویژه زنان و گروه های محروم از حقوق شهروندی و به حاشیه رانده شده تضمین کند.

۱۷.۶ قانون اساسی باید حق تشکیل اجتماعات مسالمت آمیز را برای همه شهروندان و ساکنان کشور به ویژه زنان و گروه های به حاشیه رانده شده تضمین کند.

## ۱۸. حق حضور، امنیت و آزادی تردد زنان در جامعه و اماکن عمومی<sup>۱۵</sup>

قانون اساسی باید حق آزادی تردد و حضور زنان را در اماکن و فضا های عمومی، بدون در نظر گرفتن طبقه، دین، قومیت، نژاد، جنسیت، یا هویت جنسی-جنسیتی، تضمین کند. این حق شامل برخورداری از امنیت فیزیکی و روانی در اماکن عمومی و هنگام سفر، در فضایی عاری از هرگونه خشونت جنسی-جنسیتی است.

۱۸.۱ قوانین تبعیض آمیزی که نابرابری جنسیتی را در حوزه عمومی تداوم می‌بخشند و مانع از حق تردد زنان می‌شوند، باید لغو شوند. حکومت موظف است اطمینان حاصل کند که قوانین موجود با اسناد بین‌المللی حقوق بشر هم‌راستا هستند و قوانین جدید نیز آزادی تردد زنان را تضمین می‌کنند.

۱۸.۲ هرگونه خشونت و آزار جنسی، جسمی، کلامی، روانی و اقتصادی، و نیز اشکال خشونت «ناموسی» مانند اسیدپاشی و قتل‌های «ناموسی» علیه کودکان، زنان و گروه‌های جنسی-جنسیتی صرف‌نظر از تابعیت آنان باید جرم تلقی شود و عوامل آن به‌طور جدی تحت پیگرد قانونی قرار گیرند.

۱۸.۳ ارتقای آگاهی عمومی و رفع هرگونه خشونت و سلب امنیت از زنان، کودکان و گروه‌های جنسی-جنسیتی از وظایف و اولویت‌های اساسی دولت است. دولت موظف است برنامه‌های مؤثر در این

---

فضای عمومی به هر محیط سرگشاده و یا بسته که برای عموم قابل دسترسی باشد، از جمله فضاهای دیجیتال، اشاره دارد. این تعریف شامل املاک خصوصی مسکونی، دفاتر کاری، یا محیط‌های کاری که برای مشتریان یا بازدیدکنندگان عمومی قابل دسترسی نیستند، نمی‌شود.

زمینه طراحی و اجرا کرده و با سازمان‌ها و انجمن‌های زنان برای ترویج فرهنگ احترام به آزادی‌های زنان و حقوق شهروندی همکاری کند.

۱۸.۴ همه افراد، از جمله زنانی که به‌طور قانونی در ایران زندگی می‌کنند، حق دارند بدون محدودیت در سراسر کشور جابه‌جا شوند و محل زندگی و کار خود را آزادانه انتخاب کنند.

۱۸.۵ دولت موظف است برای تسهیل تردد و دسترسی برابر به امکانات عمومی، تدابیر لازم را برای افراد توان‌یاب فراهم سازد.

۱۸.۶ همه شهروندان، از جمله زنان، که به سن قانونی رسیده باشند، حق دارند به‌طور مستقل هرگونه مدرک شناسایی و گذرنامه دریافت کنند و برای سفر یا بهر‌مندی از حقوق شهروندی، نیازمند اجازه پدر، همسر، شریک زندگی یا هر شخص یا نهاد دیگری نباشند.

#### ۱۹. تضمین دسترسی به آموزش باکیفیت علمی و سکولار

آموزش باکیفیت علمی، سکولار، فراگیر و عادلانه یک حق بنیادی بشر است و باید رایگان، برابر و بدون محدودیت برای همه ساکنان کشور، از جمله زنان، اقلیت‌های محروم، افراد توان‌یاب و اقوام و مذاهب گوناگون، در تمامی سطوح و رشته‌های تحصیلی در دسترس باشد.

۱۹.۱ قانون اساسی باید دسترسی برابر زنان را به آموزش، بی‌هیچ محدودیتی و در همه سطوح تضمین کند و دولت باید موظف به اجرای آن باشد.

۱۹.۲ دولت باید تدابیر و تسهیلات ویژه‌ای را برای تضمین دسترسی برابر زنان به آموزش در همه مناطق کشور و با توجه به شرایط متفاوت تاریخی، فرهنگی و اجتماعی آن‌ها، تدارک ببیند (مانند خوابگاه برای دختران شهرستانی).

۱۹.۳ قانون اساسی باید حق تحصیل بدون تبعیض برای زنان و دختران در تمامی حوزه‌ها، رشته‌ها و سطوح آموزشی، و نیز برخورداری آن‌ها از محیط آموزشی امن را تضمین کند و دولت ملزم به اجرای آن باشد.

۱۹.۴ دولت باید امکانات آموزش ابتدایی (در سطح مهد کودک و دبستان) را هم به زبان‌های مادری و هم به زبان رسمی برای همه شهروندان کشور به‌طور رایگان فراهم کند.

۱۹.۵ سیاست های دولت به ویژه در مورد تخصیص بودجه آموزشی باید در راستای رفع نابرابری های اجتماعی و منطقه ای و موانع فرهنگی برای تمامی شهروندان و ساکنان کشور فارغ از تفاوت های جنسی، جنسیتی، اثنیکی و طبقه اجتماعی آنان باشد.

۱۹.۶ حکومت باید آموزش جنسی و به ویژه جلوگیری از امراض مسری جنسی و حفظ سلامت از جمله آموزش راه های امن پیشگیری از بارداری، تنظیم خانواده و نیز حقوق و مسئولیت های باروری را در برنامه های درسی سراسر کشور بگنجاند.

۱۹.۷ همه افراد فارغ از سن، جنسیت و گرایش اثنیکی، باید به آموزش دسترسی داشته باشند و حق تحصیل آن ها نباید به لحاظ قانونی توسط والدین، حکومت، همسر و یا هر فرد حقیقی یا حقوقی محدود شود.

۱۹.۸ تمام کودکانی که در داخل مرزهای کشور زندگی می کنند صرف نظر از شهروندی آن ها حق برخورداری از امکانات آموزشی را دارند.

۱۹.۹ تحصیل در مدرسه برای همه کودکانی که تا سن ۱۶ سالگی در محدوده جغرافیایی کشور زندگی می کنند، صرف نظر از تابعیت آنان، اجباری است.

۱۹.۱۰ دولت موظف است آموزش رایگان و اجباری را برای همه کودکان تا سن ۱۶ سالگی تضمین کند.

۱۹.۱۱ هیچگونه دین و آیین مذهبی نباید به عنوان یک ماده درسی در مدارس تدریس یا تبلیغ شود.

۱۹.۱۲ وزارت آموزش و پرورش موظف است بر برنامه درسی ملی مدارس که در چارچوب روح و مفاد این سند تدوین شده است نظارت کند. این برنامه درسی باید بر اساس دستورالعمل هایی که توسط کمیسیون برنامه درسی، معیارهای آموزشی و آزادی آکادمیک تعیین شده و به تأیید آن رسیده است (ماده ۱۲ این سند) تهیه شود. وزارت آموزش و پرورش موظف است اجرای این برنامه را در سراسر کشور، در چارچوب اصل قانون اساسی مبنی بر برابری همه شهروندان و ساکنان، تضمین کند

۱۹.۱۳ وزارت آموزش و پرورش موظف است برنامه درسی ملی مدارس را مطابق با الزامات قانون اساسی در خصوص برابری همه شهروندان و ساکنان نظارت کند.

۱۹.۱۴ از زبان ها و فرهنگ های گوناگون در سراسر ایران می باید حمایت شوند، اما هرگونه شاخصه های فرهنگی که زن ستیز یا در تعارض با حقوق دیگر گروه ها باشد شامل این بند نمی شود.

## ۲۰. دسترسی به فضای سایبری

حکومت موظف است حق دسترسی برابر، امن و عاری از خشونت جنسیتی به اینترنت و فضای مجازی را برای زنان تضمین کند.

۲۰.۱ حکومت باید تمامی اقدامات لازم را برای فراهم سازی دسترسی به اینترنت در سراسر کشور، از جمله مناطق روستایی، به عمل آورد.

۲۰.۲ حکومت موظف است دسترسی آسان و رایگان نهادهای آموزشی، از جمله مدارس در سراسر کشور، به فناوری‌های دیجیتال را به‌عنوان یکی از ابزارهای اساسی آموزش تضمین کند.

۲۰.۳ فضای دیجیتال بستری اساسی برای فعالیت‌ها و مبادلات اقتصادی، علمی و فرهنگی است؛ از این‌رو، حکومت باید دسترسی بدون مانع به اینترنت را برای همه، به‌ویژه زنان، تضمین کند.

۲۰.۴ دسترسی به اینترنت از حقوق اساسی شهروندان است. نهادهای حکومتی حق ندارند به‌صورت خودسرانه این حق را از طریق محدودسازی اتصال، سانسور، فیلترینگ یا هر شیوه‌ای که دسترسی به فضای دیجیتال را محدود می‌کند، نقض کنند.

۲۰.۵ قلدری، ارباب و خشونت در فضای سایبری غالباً ماهیتی جنسیتی دارد. حکومت موظف است تدابیر مؤثری برای پیشگیری و مقابله با این اشکال از آزار و اذیت علیه زنان و گروه‌های جنسی-جنسیتی اتخاذ کند.

۲۰.۶ حکومت موظف است هرگونه استفاده از داده‌های دیجیتال افراد از جمله داده‌های مکانی و اطلاعات زیستی مانند شناسایی چهره و صدا را برای اهداف امنیتی که ناقض آزادی‌های شهروندی است، ممنوع اعلام کند.

## ۲۱. دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و سلامت

قانون اساسی باید دسترسی زنان را به یک سیستم بهداشتی ملی، جامع، فراگیر و باکیفیت تضمین کند، که شامل خدمات مورد نیاز زنان توان‌یاب، بهداشت باروری، سلامت مادر و نوزاد، پیشگیری رایگان و ایمن از بارداری، آزمایش‌های تشخیصی دوران بارداری، و سقط جنین امن در سراسر کشور باشد.

۲۱.۱ برای اطمینان از عاملیت و استقلال بدنی زنان هر قانون یا سیاستی که زنان را برای تصمیم‌گیری در باره سلامت‌شان ملزم به کسب اجازه و امضای همسر، شریک زندگی، یا هر فرد دیگری می‌کند غیرقانونی است و باید لغو شود. هرگونه قانونی که ناقض حق زن بر بدنش باشد، باید لغو شود در غیر این صورت عاملان نقض این حق باید، باید تحت پیگرد قانونی قرار گیرند.

۲۱.۲ نابرابری در ارائه خدمات بهداشتی به زنان در مناطق مختلف کشور، و در بخش‌های متفاوت خدمات بهداشتی از جمله در زمینه بهداشت باروری و تنظیم خانواده باید به‌طور مؤثر برطرف شود.

۲۱.۳ قانون اساسی باید دسترسی به امکانات بهداشت و سلامت عمومی، جنسی و باروری برای همه، صرف‌نظر از گرایش جنسی و هویت جنسیتی را تضمین کند، مانند لقاح مصنوعی (to In vitro fertilization, IVF).

۲۱.۴ دولت باید ناقص‌سازی جنسی زنان (ختنه زنان) را غیرقانونی و قابل پیگرد اعلام کند. سیاست‌های ملی بهداشت با توسل به آگاه‌سازی ملی و منطقه‌ای باید به این خشونت پایان دهند.

۲۱.۵ زنانی که به دلیل ابتلا به مشکلات جسمی یا روانی از ورود به بازار کار منع شده‌اند باید بسته بهداشتی ویژه دریافت کنند و از مستمری دولتی برخوردار شوند.

## ۲۲. حقوق اقتصادی زنان، اشتغال و بازار کار

قانون اساسی باید فرصت‌های برابر برای ورود زنان به بازار کار، دسترسی به سرمایه و اعتبارات، دستمزد برابر برای کار برابر و برخورداری از نظام تأمین اجتماعی متناسب با نیازهای آنان را تضمین کند.

بدیهی است که شکوفایی توانمندی‌های اقتصادی و دستیابی به رفاه پایدار برای زنان، مستلزم جهت‌گیری الگوی توسعه اجتماعی-اقتصادی کشور به سوی ایجاد اشتغال، استقرار نظام تأمین اجتماعی فراگیر، حفاظت از منابع طبیعی در تمامی ابعاد به‌ویژه منابع آب و توزیع عادلانه درآمد است؛ به‌گونه‌ای که فقر مطلق ریشه‌کن شود، فقر نسبی کاهش یابد و توزیع ثروت در جامعه به سوی عدالت بیشتر حرکت کند.

۲۲.۱. بر اساس حق برابری جنسیتی قانون اساسی، دولت موظف است، برخورداری زنان از حق دسترسی برابر به بازارهای کار خصوصی و دولتی، فرصت‌های برابر اشتغال، امکان انتخاب آزادانه شغل، حق برابر برای مهارت آموزی در همه حرفه‌ها، برخورداری از مزد برابر برای کار برابر، و تعطیلات دوره‌ای با مزد و مزایای بازنشستگی را بدون توجه به جنسیت آن‌ها تدارک و اجرای آن را تضمین کند.

۲۲.۲ وزارت امور اقتصادی و سازمان برنامه‌ریزی موظف‌اند نهادی تخصصی متشکل از زنان و کارشناسان حوزه جنسیت ایجاد کنند. وظیفه این نهاد نظارت بر اجرای الزامات برابری مندرج در قانون اساسی، به‌ویژه در حوزه اشتغال و سایر سیاست‌های سازمانی است. این نهاد باید با تشکیلات امور زنان و کمیسیون ملی زنان همکاری نزدیک داشته باشد تا از رعایت و اجرای مؤثر اصول و مقررات مربوط به برابری جنسیتی اطمینان حاصل شود.

۲۲.۳ همه افراد، از جمله زنانی که به طور قانونی در ایران زندگی می‌کنند، حق دارند به دنبال کسب معیشت قانونی باشند.

۲۲.۴ دولت موظف است هرگونه تبعیض بر اساس توانایی باروری زنان را غیرقانونی اعلام کند و از بین ببرد. همچنین باید به رسمیت بشناسد که تربیت کودکان مسئولیتی مشترک میان والدین و جامعه است.

۲۲.۵ دولت باید مرخصی استحقاقی فرزندآوری برای والدین ضمن حفظ سابقه کاری و پرداخت حقوق را تضمین کند. بدیهی است که مدت مرخصی دوران زایمان زنان شاغل در بخش خصوصی و دولتی باید تماماً جزو سابقه کاری آن ها منظور شود.

۲۲.۶ دولت موظف است تدابیری اتخاذ کند تا زوج‌های شاغل در بخش دولتی، در صورت امکان، در یک منطقه محل خدمت داشته باشند

۲۲.۷ آزادی زنان برای تشکیل سندیکاهای کارگری و صنفی و یا پیوستن به تشکیلات سندیکاهای کارگری موجود باید تضمین شود.

۲۲.۸ دولت موظف است تضمین کند که زنان شاغل در بخش اقتصاد غیررسمی حداقل دستمزد قانونی را دریافت نمایند.

۲۲.۹ دولت باید کار خانگی، کار مراقبتی و کار زنان را در بخش اقتصاد غیر رسمی به رسمیت بشناسد و آنها را در درآمد ملی و شاخص‌های توسعه کشور منظور کند. برای کارخانگی بیمه درمانی و از کار افتادگی در نظر بگیرد.

۲۲.۱۰ دولت باید حق سالمندی یا ناتوانی برای کار کردن به دلیل آسیب یا بیماری را برای تمام زنان از جمله زنان توان یاب، خانه‌دار و همچنین زنانی که در اقتصاد غیر رسمی فعال بوده‌اند را به رسمیت بشناسد. دولت باید حقوق مستمری را که ضامن زندگی باکرامت و امن باشد را برای آن‌ها فراهم کند.

۲۲.۱۱ همه بخش‌های اقتصادی و رفاهی دولتی، باید دارای دفتر اختصاصی متشکل از زنان و کارشناس جنسیت باشند که رعایت الزامات برابری جنسیتی مندرج در قانون اساسی را در اشتغال و سایر سیاست‌های سازمانی باشد.

## ۲۳ زنان و محیط زیست

تخریب و کاهش کیفیت محیط زیست تاثیر قابل توجه و فاجعه باری به ویژه از منظر جنسیتی، و بخصوص در مناطق روستایی و کشاورزی داشته است. قانون اساسی قانون باید تضمین کند که یک کمیته تخصصی اکوفمینیستی بخشی از نهاد سیاست‌گذاری، برنامه ریزی زیست محیطی ملی و محلی

باشد. چارچوب پیشنهادی توسعه پایدار سازمان ملل متحد برای سال ۲۰۳۰ به ویژه اهداف توسعه پایدار مندرج در بند های ۶، ۷، ۱۳ و ۱۴ آن سند می توانند دستور عمل قابل دستیابی مناسبی را ارائه دهند.<sup>۱۶</sup>

۲۳.۱ قانون اساسی باید دولت را موظف کند تا یک سیستم سیاست‌های توسعه پایدار و سازگار با محیط زیست ایجاد کند. این شامل بهبود کیفیت تولید و مصرف سوخت‌های فسیلی به‌گونه‌ای است که آسیب کمتری به محیط زیست وارد کند. همچنین، باید دولت را موظف کند که به تدریج به سمت استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر و پایدار حرکت کند تا آلودگی کاهش یابد، زیرا این مسئله تأثیرات جدی بر سلامت جامعه، به‌ویژه زنان دارد.

۲۳.۲ قانون اساسی باید دولت را مکلف کند که با برنامه های آموزشی در سطح مدارس و جامعه، آگاهی اجتماع را نسبت به اهمیت مسائل اقلیمی و حفاظت از محیط زیست ارتقاء بخشد.

۲۳.۳ دولت باید مکلف شود که قوانین و سیاست‌گذاری ها از مشارکت فعال زنان در حفاظت محیط زیست حمایت کنند، زیرا آنان از پیشگامان این حوزه بوده اند. با کسب آموزش های مناسب زنان می‌توانند به عنوان مربیان محیط زیست در خانواده، محله، شهر و کشور فعالیت کنند. آن ها می‌توانند به روند اصلاح عادات و روش های زیان آور کمک کنند و به بهبود مصرف منابع، جداسازی و بازیافت زباله ها و طرح‌ها و پروژه های بازیابی و حفاظت طبیعت یاری رسانند.

۲۳.۴ قانون اساسی باید ضامن استقلال فعالیت انجمن‌های زیست‌محیطی که با پیشتازی زنان آگاه ایرانی در دهه‌های گذشته راه‌اندازی شده است باشد و مشارکت آن ها را در فرایند تهیه و اجرای طرح‌های زیست محیطی تضمین کند.

۲۳.۵ قانون اساسی باید وزارت محیط‌زیست را مکلف کند که یک کمیته زنان متشکل از کارشناسان جنسیتی و فعالان محیط‌زیست را تشکیل دهد. وظیفه این کمیته نظارت، برنامه ریزی و ارزیابی ابعاد جنسیتی سیاست ها و پروژه های زیست محیطی است.

۲۳.۶ قانون اساسی باید وزارت محیط زیست را ملزم کند که سیاست های مقابله با سوانح طبیعی تدوین کند. این سیاست ها باید ابعاد آسیب پذیری جنسیتی پیامدهای سوانح طبیعی را شناسایی کند

---

<sup>۱۶</sup> دستور کار ۲۰۳۰ طرح جهانی در سال ۲۰۱۵ توسط سازمان ملل متحد برای دستیابی به توسعه پایدار تصویب شد. این برنامه شامل ۱۷ هدف توسعه پایدار (SDGs) که هدف آن ها رسیدگی به چالش های جهانی مانند فقر، نابرابری، تغییرات اقلیمی و تخریب محیط زیست تا سال ۲۰۳۰ است. اهداف ۶ SDGs (آب پاک و بهداشت، ۱۳ SDGs (اقدام اقلیمی) و ۱۴ SDGs (تمرکز و پاکسازی آب و زیست بوم آب و زیست بوم ها) هستند. این موضوع حائز اهمیت بسیاری است زیرا در حال حاضر مردم با چالش های مربوط به تضاد منافع در استفاده از منابع آب و پروژه های بهره برداری و تلاش های حفاظت از محیط زیست روبرو است.

و برنامه هایی برای رسیدگی به آن ها داشته باشد. درسیاستگذاری ها، برنامه ریزی ها و تدوین قوانین به هنگام بازسازی مکان ها، فضاها و اجتماعات باید به نیازهای زنان توجه ویژه شود و از بازتولید تبعیض های جنسیتی موجود جلوگیری کند.

۲۳.۷ قانون اساسی باید دولت را ملزم کند که با برنامه ریزی، سیاستگذاری ها و تدوین قوانین، نظام اداری جدیدی بر اساس مشارکت مردمی ایجاد کند، مطابق با معاهده ۱۳۲۵ سازمان ملل متحد (National Action Plan) با تاکید بر مشارکت معنادار زنان مقرر کرده است، برای حل اختلافات منطقه‌ای درباره استفاده از منابع، تدارک ببیند تا حفاظت از منابع آب، جنگل‌ها و حیات وحش، مقابله با بیابان‌زایی و گرد و غبار و آلودگی‌های زیست محیطی امکانپذیر شود.<sup>۱۷</sup>

## ۲۴ حق شکوفایی فردی، جسمی، هنری، فرهنگی، ورزشی و تفریحی زنان

حق زنان برای شکوفایی فردی، جسمی و فرهنگی باید در چارچوبی بین المللی و بر اساس دیدگاهی مبتنی بر برابری جنسیتی و رویکرد درهم تنیدگی جنسیتی مورد حمایت دولت قرار گیرد.

۲۴.۱ به منظور ارتقای سلامت روانی و جسمی زنان و خانواده ها، دولت باید امکاناتی برای استراحت و تفریح فراهم کند، از جمله ورزشگاه ها، پارک ها و مناطق و امکانات پیکنیک، و سرگرمی هایی مانند کنسرت عمومی، جشنواره ها و نمایشگاه ملی .

۲۴.۵ حکومت باید حق دسترسی برابر به امکانات ورزشی و برخورداری از سهم برابر در سرمایه‌گذاری دولت برای تربیت بدنی دختران و زنان و زنان توان یاب را فراهم و ضمانت کند. همچنین دولت باید برای مسابقات زنان در سطح کشوری و بین المللی اقدام و سرمایه گذاری کند.

۲۴.۶ دولت باید وجود فضاهای عمومی و اماکن ورزشی عاری از هرگونه آزار و ناامنی را برای دختران و زنان و اقلیت های جنسیتی تضمین کند.

۲۴.۴ حکومت باید حق زنان برای مشارکت در توسعه فرهنگی، هنری، ورزشی، اقتصادی و علمی در تمام مناطق کشور را به رسمیت بشناسد، و دولت باید این حقوق ترویج و حمایت کند

---

<sup>۱۷</sup>از آنجا که زنان در انواع تخصصات بین مناطق، از جمله تضاد های منافع در بهره برداری منابع محیط زیست آسیب پذیرند اجرای معاهده ۱۳۲۵ سازمان ملل که شرکت زنان را در حل منازعات الزامی می کند، باید در دستور کار قرار گیرد.

## ۲۵. برابری حقوقی در پیوندهای خانوادگی بر پایه عشق، تفاهم و رضایت آزادانه طرفین و بدون هرگونه فشار، اجبار یا اکراه

در راستای اجرای اصول برابری جنسیتی مندرج در قانون اساسی، تمامی قوانین تبعیض آمیز و جانبدارانه، به ویژه قوانین حوزه خانواده، ازدواج و احوال شخصیه در دوران جمهوری اسلامی و همچنین دوره های پیشین اجرا شده اند، لغو می شوند. زنان باید در برابر قوانین خانواده و احوال شخصیه ای که عاری از تبعیض و مبتنی بر عدالت جنسیتی هستند، از حقوق برابر و کاملاً برخوردار باشند.

۲۵.۱ حکومت باید برابری زنان را در برابر قوانین خانواده ای غیر تبعیض آمیز و عادلانه و غیر تبعیض آمیز و حاوی برابری جنسیتی باشد، را ضمانت کند.

۲۵.۲ فارغ از جنسیت، ازدواج پیوندی بین دو نفر است که آزادانه و احدی جمعی را تشکیل می دهند و افراد بالغ (بالای ۱۸ سال) در تشکیل و انحلال آن حقوق برابر دارند.

۲۵.۳ همه ازدواج ها باید در سیستم حقوقی سکولار ثبت شوند و تمام قوانین ازدواج و خانواده باید بر اساس اصول سکولار تدوین گردند. تمامی مسائل حقوقی مرتبط با خانواده باید از منظر حقوقی سکولار بررسی شوند.

۲۵.۴ علاقه مندان به ازدواج های مذهبی متعاقباً می توانند این کار را انجام دهند، اما این باعث تغییر حقوق آن ها بر اساس قوانین سکولار کشور نمی شود.

۲۵.۵ همه قوانینی که اشکال مختلف گرایش جنسی و جنسیتی را جرم می دانند باید لغو شوند.

۲۵.۶ قوانین ازدواج و زندگی مشترک باید غیر تبعیض آمیز و منصفانه باشند و برابری طرفین را تضمین کند.

۲۵.۷ زنان حق دارند با هر فردی بدون در نظر گرفتن تابعیت و مذهب وی (همچون حق مردان در این زمینه) به انتخاب خود ازدواج یا پیوند برقرار کنند.

۲۵.۸ زنان حق دارند برای شرکای قانونی زندگی شان مجوز اقامت و کار بگیرند.

۲۵.۹ باید شرایط و ضوابط توزیع ثروت انباشته شده در طی مدت زندگی مشترک مشخص شود. در نبود چنین توافقی، ثروت انباشته شده باید به طور مساوی بین طرفین تقسیم شود.

۲۵.۱۰ مادران حق دارند تولد فرزندان خود را ثبت کنند و بدون توجه به وضعیت تأهل خود، نام خانوادگی خود را به فرزندان خود بدهند.

۲۵.۱۱ مطابق با اصول برابری جنسیتی، قوانین تابعیت باید اصلاح شوند تا حق مادران برای انتقال تابعیت خود به فرزندان خود، بدون هیچ محدودیتی، به رسمیت شناخته شود.

۲۵.۱۲ مادران حق دارند برای فرزندان خود گذرنامه دریافت کنند.

۲۵.۱۳ حکومت باید تمام سنت‌های غیرانسانی را که به زنان و دختران آسیب می‌زنند، از جمله مبادله زنان برای پایان دادن به خصومت‌های قبیله‌ای (خون‌بس)، قتل‌های ناموسی، ازدواج کودکان، و سه طلاقه (بدون وقفه)، قسم طلاق (که در مواردی بین اهل سنت مرسوم است) را غیرقانونی اعلام کند. همچنین باید کارزارهای گسترده‌ای را برای آگاهی‌بخشی به جامعه درباره‌ی پیامدهای مخرب این سنت‌ها راه‌اندازی کند.

## ۲۶. مشارکت زنان و دسترسی به عدالت در قوه قضائیه

قوة قضائیه باید ضامن رفتار برابر و منصفانه با زنان، ورای طبقه، باورهای دینی یا غیردینی (سنت هایفرهنگی)، هویت جنسی-جنسیتی، و اتنیکی آن‌ها باشد. به علاوه حکومت موظف است انتصاب قضات زن را در تمام سطوح قوه قضائیه تضمین کند.

۲۶.۱ مجموعه قضات قوه قضائیه باید شامل ترکیبی از افراد سراسر کشور با مؤلفه‌های هویتی مختلف آن‌ها باشد. قوه قضائیه باید برایتعلیم، تشویق و پرورش قضات و حقوق دانان از گروه‌هایی که در جایگاه‌های مناسب در ساختار فعلی قوه قضائیه محروم بوده اند، سیاستهای تشویقی هدفمند و برنامه‌ای برای راهنمایی و حمایت حرفه‌ای از سوی افراد باتجربه برای مشارکت فعال آن‌ها داشته باشد.

۲۶.۲ در پست‌های قضاوت یا دیگر پست‌های مهم قضایی باید برابری جنسیتی تضمین شود.

۲۶.۳ باید حداقل ۵۰ درصد، از پست‌های قضاوت در دادگاه خانواده به گروه زنان و حقوقدان‌ها با هویت‌های درهم تنیده اختصاص یابد.

۲۶.۴ هر قانونی که با بندهای برابری قانون اساسی مغایرت داشته باشد باید ملغی اعلام شود. قوانین مدنی‌ای که مبتنی بر تبعیض جنسیتی یا برآمده از دین و سنت‌های فرهنگی هستند، از جمله تبعیض علیه زنان در مقام‌شاهد یا قوانین مربوط به دیه، ارث، و سایر قوانین تبعیض آمیز باید فوراً لغو شود. این قدم اول و لازم برای ریشه کن کردن خشونت علیه زنان است.

۲۶.۵ نهادهای قانونی باید طوری اصلاح شوند که بازتاب بندهای مربوط به مفاد برابری در قانون اساسی باشند باید اصلاح قوانین مربوط به احوال شخصیه از جمله قوانین خانواده که طی قرون و به ویژه در چهارده گذشته زمینه محرومیت و تبعیض علیه زنان بوده در اولویت، قرار گیرند.

۲۶.۶ قوانینی که روابط جنسی توافقی بین افرادی که به سن قانونی رسیده اند، و به ویژه اقلیت های جنسی را جرم می شناسد، باید فوراً لغو شوند.

۲۶.۷ قوانین تبعیض آمیز علیه اقلیت های دینی باید فوراً لغو شوند.

۲۶.۸ قوه قضائیه، همانند سایر وزارتخانه ها و نهادهای دولتی، باید دارای بخشی ویژه برای نظارت باشد که توسط زنان کارشناسان برابری جنسیتی هدایت شود تا اطمینان حاصل گردد که سیاست ها و رویه های قوه قضائیه با مفاد برابری جنسیتی در قانون اساسی مطابقت داشته و با روح آن همسو باشند.

۲۶.۹ قانون اساسی باید تضمین کند که قوه قضائیه با نظام عدالت انتقالی (ماده ۱۵ و ۱۴ این سند)، کمیته رفع خشونت علیه زنان (ماده ۱۶ این سند)، کمیسیون مستقل حقوق بشر (ماده ۲۴ این سند) و کمیسیون ملی زنان (ماده ۳۰ این سند) همکاری نزدیکی داشته باشد.

### ۲۷. حقوق مشارکت سیاسی زنان

قانون اساسی باید حقوق سیاسی را برای تمامی شهروندان، که به سن قانونی بلوغ رسیده اند، بدون در نظر گرفتن جنسیت یا هویت های دیگر، برکنار از آزار، تهدید و خشونت تضمین کند. قانون اساسی باید حقوق سیاسی زنان و برابری جنسیتی را در همه پست های انتخابی برای نمایندگی سیاسی در تمام سطوح ملی، منطقه ای و محلی تضمین کند و زنان همواره پنجاه درصد کرسی ها را در تمام حوزه های انتخاباتی داشته باشند.

۲۷.۱ حکومت باید قوانین تبعیض آمیزی که نابرابری جنسیتی را در عرصه های مدنی و سیاسی تداوم می بخشند، بازبینی و تغییر دهد. حکومت همچنین باید تنظیم قوانین موجود را بر اساس اسناد بین المللی حقوق بشرو خواسته های دیرینه زنان که ضامن برابری جنسیتی در حوزه سیاست و صلح پایدار هستند را، تضمین کند.

۲۷.۲ حکومت مسئول برگزاری دوره های انتخابات آزاد است. همه شهروندانی که به سن قانونی رسیده اند، صرف نظر از جنسیت، اتنیک، دین باور و خدا ناپاوارو یا هر مؤلفه هویتی دیگر، می توانند آزادانه در انتخابات نامزد شوند یا به نامزدهای انتخاباتی رأی بدهند.

۲۷.۳ زنان به عنوان نیمی از جمعیت کشور، باید کرسی‌های سیاسی برابر با مردان در هر حوزه انتخاباتی، از جمله در انتخابات مجلس ملی و دیگر نهادهای انتخابی را دارا باشند. زنان باید مستقیماً توسط مردم انتخاب شوند و در تمام حوزه‌های انتخاباتی، تعداد نمایندگان زن و مرد برابر باشد. همچنین زنان باید ۵۰ درصد از کرسی‌های تمامی نهادهای تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی را در اختیار داشته باشند.

۲۷.۴ صرف نظر از نوع نظام حکومتی کشور، زنان حق احراز تمام مناسب سیاسی و همینطور بالاترین مقام سیاسی کشور را دارا هستند. زنان باید ۵۰ درصد پست‌های تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری‌های را در سطح استانی و ملی تشکیل دهند.

۲۷.۵ صرف نظر از نوع نظام حکومتی کشور قانون اساسی باید دولت را موظف کند که موانع دسترسی حضور نمایندگی سیاسی و مناسب تصمیم‌گیری‌های سیاسی برای زنان بر طرف کند، از جمله اقدامات دولت می‌تواند، تشویق زنان به نامزدی انتخاباتی از طریق حمایت‌های مالی، برگزاری کارزارهای حمایتی و آموزشی و سایر اقدام‌های مقتضی باشد.

۲۷.۶ قانون اساسی باید حق زنان را برای آزادی تجمع، انجمن و مشارکت در سازمان‌ها، از جمله تأسیس یا پیوستن به احزاب سیاسی بدون در نظر گرفتن وجه طبقاتی، هویتی، جنسی-جنسیتی، و اتنیکی آن‌ها تضمین کند.

۲۷.۷ حکومت باید هرگونه خشونت (در فضای مجازی و غیر مجازی) علیه زنان را در قلمروی سیاسی، جرم علیه شخص و منافع ملی تلقی کند.<sup>۱۸</sup>

## ۲۸ نمایندگی و مشارکت معنادار زنان در سمت‌های تصمیم‌گیری و اجرایی

حکومت باید نمایندگی زنان و مشارکت معنادار و مؤثر آنان را در سمت‌های تصمیم‌گیری و پست‌های اجرایی در سطوح متفاوت، تضمین کند و برای تحقق این هدف تدابیر لازم را اتخاذ کند.

---

<sup>۱۸</sup> خشونت علیه زنان در قلمروی سیاسی به‌طور قابل‌توجهی در سراسر جهان افزایش یافته است. در ایران و دیگر کشورهای منطقه، این نوع خشونت که ناشی از تداوم عرف اجتماعی‌ناموسی است که زنان در کانون آن قرار دارند، تأثیر عمیقاً منفی بر سطح مشارکت زنان گذاشته است. خشونت سیاسی علیه زنان در زمان انتخابات، چه به‌صورت فیزیکی و چه در فضای مجازی، شدت می‌گیرد. سازمان ملل متحد نیز در موارد متعددی به ماهیت دوگانه انقلاب دیجیتال پرداخته است. Elimination/Ending Violence Against (Women in Politic)، در حالی که خشونت علیه زنان در فضای دیجیتال (VAW.P.E) یک مسئله شناخته شده است که توسط سازمان‌های بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته اما یک قطعنامه مشخص یا چارچوب مستقل از سوی سازمان ملل مصوب نشده است. با این حال این موضوع تحت کنوانسیون (CEDAW)-کنوانسیون رفع خشونت علیه زنان- به جنبه‌های خشونت علیه زنان در انتخابات و نیز سازمان ملل از طریق نهاد‌هایی مانند UN Women و برنامه توسعه ملل متحد (UNDP) به مسائل مربوط به آن پرداخته است، همچنین این موضوع در چارچوب دستور کار زنان صلح و امنیت و قطعنامه ۵۸/۱۴۲ مجمع عمومی سازمان ملل (۲۰۰۳) و نیز هدف شماره ۵ توسعه پایدار ۲۰۳۰ (SDGs) در باره مشارکت سیاسی زنان اشاره شده است.

۲۸.۱ زنان با هویت‌های گونه کونیاید پنجاه درصد از کل پست‌های تصمیم‌گیری اجرایی در حکومت را در سطوح ملی، استانی و منطقه ای در اختیار داشته باشند.

۲۸.۲ دولت باید برای حمایت و آموزش زنان و مردان با هدف همکاری های مسولانه و دو جانبه در راستای سمت های تصمیم‌گیری و اجرایی، آموزش و اقدام های لازم را به عمل آورد.

۲۸.۳ تمام وزارتخانه های دولتی باید داراییک بخش نظارتی و اختصاصی با مدیریت زنانمتخصص و کارشناس باشند تا اطمینان حاصل شود که سیاست های وزارت خانه ها با بندهای برابری محور قانون اساسی مطابقت دارند. این بخش ها باید با تشکیلات امور زنان (ماده ۲۹ این سند) و کمیسیون ملی زنان (ماده ۳۰ این سند) همکاری داشته باشند.

#### ۲۹. تشکیلات کشوری امور زنان: سازوکارهای اجرایی و نظارتی در ساختارسیاسی کشور

وجود یک ساختار نهادی مؤثر برای پیشبرد برابری جنسیتی ضروری است؛ امری که در تعهد قانون اساسی به رفع نابرابری‌های اجتماعی، حقوقی و اقتصادی مبتنی بر جنسیت منعکس شده است. کمیسیون مستقل قانون اساسی برای برابری قومی و جنسیتی باید مناسبترین چارچوب را برای ایجاد یک سازوکار ملی امور زنان تعیین کرده و آن را مأمور نظارت بر سیاست‌ها، برنامه‌ها و اجرای آن‌ها در سطح ملی کند.

این سازوکار امور زنان باید با وزارتخانه‌ها، سازمان‌های مرتبط و نهاد هماهنگ‌کننده بین‌دولتی همکاری و هماهنگی داشته باشد تا اطمینان حاصل شود که سیاست‌های دولت با اصول و مقررات برابری جنسیتی مندرج در قانون اساسی مطابقت دارند.

از آنجا که شکل و ساختار دقیق این سازوکار امور زنان هنوز به‌طور کامل مشخص نیست و تعیین آن نیازمند بررسی و تبیین بیشتر در روند تدوین قانون اساسی خواهد بود، این سند به‌طور موقت از عنوان «دفتر امور زنان» برای اشاره به کارکردها و وظایف این نهاد استفاده می‌کند.

۲۹.۱ قانون اساسی باید تصریح کند که نهاد «تشکیلات کشوریامور زنان» به بودجه کافی مستقل و سایر منابع لازم برای انجام وظایف شان، دسترسی خواهند داشت.

۲۹.۲ وزارتخانه‌ها و نهادهای حکومتی باید ملزم به همکاری با «تشکیلات امور زنان» باشند.

۲۹.۳ تشکیلات کشوری امور زنان باید تحقیقات وسیع برای شناسایی نیازهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی زنان انجام دهد و با در نظر گرفتن هویت‌های در هم تنیده آن‌ها و اقلیم های متفاوت، توصیه‌های اجرایی و سیاست های برابری محور جنسیتی ارائه دهد.

۲۹.۴ تشکیلات کشوری امور زنان باید تحقیقات گسترده ای در مورد بودجه بندی جنسیتی (-genderbudgeting) و سرمایه گذاری مناسب و مورد نیاز برای پیشرفت و شکوفایی زنان و دختران دختران در عرصه های فعالیت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و هنرو فرهنگ از جمله ورزش، تحقیقات گسترده ای انجام دهد. نتایج این تحقیقات باید با عموم مردم از طریق ترویج گفتار عمومی، همچنین با سازمان های برنامه ریزی، با نهاد مستقل حقوق بشر (ماده ۳.۳ این سند) و برنامه اقدام ملی در مورد زنان، صلح و امنیت (ماده ۳.۴ این سند) برنامه عمل ملی (plan of action) و امنیت زنان و با زارت خانه های مربوطه به اشتراک گذاشته شود.

۲۹.۵ تشکیلات کشوری امور زنان» باید نقض مفاد برابری جنسیتی قانون اساسی را در قوانین موجود بررسی کند و راهکارهایی برای برطرف کردن آن ها به دولت پیشنهاد دهد، و در صورت لزوم شکایات را به کمیسیون مستقل برابری جنسیتی دادگاه عالی قانون اساسی (ماده ۱.۳ این سند) اعاده دهد.

۲۹.۶ تشکیلات کشوری امور زنان باید برای ریشه کن کردن تمام اشکال خشونت مبتنی بر جنسیت اقدام کند. در این راستا باید تحقیقاتی را برای شناسایی رویه های قانونی، اقتصادی، و فرهنگی که خشونت علیه زنان را ترویج می کند و سیاست های مناسب برای ریشه کن کردن زمینه های خشونت زاء، طراحی کند. این تشکیلات باید هماهنگی و همکاری لازم را با نهاد مستقل حقوق بشر (ماده ۲ و ۴ این سند) و برنامه اقدام ملی در مورد زنان، صلح و امنیت (ماده ۱۲ این سند) و سیستم عدالت انتقالی (ماده های ۱۴ و ۱۵ این سند) و خشونت های ایجاد شده به از طریق قوانین علیه زنان ( مندرج در بند ۸ این سند) بعمل آورد.

۲۹.۷ علیه زنان (CEDAW) و اعلامیه رفع خشونت علیه زنان (DEVAW)، را تهیه کرده و برای ارائه به دفتر سازمان ملل متحد ارسال کند دفتر امور زنان موظف است گزارش ملی مربوط به معاهدات مختلف سازمان ملل متحد، از جمله کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض.

۲۹.۸ «تشکیلات کشوری امور زنان» باید با مشورت کارشناسان، و سازمان های پیگیر برابری جنسیتی، سیاست های مناسبی را برای ایجاد سرپناه-خانه های امن برای قربانیان خشونت خانگی اتخاذ کند، و متعهد باشد که ایجاد خانه های امن را در اولویت قرار دهد.

### ۳۰ کمیسیون ملی زنان (National Commission of Women)<sup>۱۹</sup>

---

<sup>۱۹</sup> با توجه به گسترش تبعیض در قوانین و شیوه های فرهنگی، بسیاری از کشورها اقدام به تشکیل یک نهاد مستقل کرده اند که اغلب به نام کمیسیون ملی زنان (National Commission of Women) یا گونه ای مشابه نامیده می شود. این نهاد به منظور تنظیم و انسجام همکاری بین نهاد های مدنی زنان و حکومت تشکیل می شود و وظیفه آن مشاوره به نهاد های حکومتی مربوط به سیاست های جنسیتی است. همچنین در مورد ارتباط دولت و جنبش زنان، به منظور پاسخگویی بهتر دولت به مطالبات زنان و فعال بودن آن در برخورد با تبعیض علیه زنان را منسجم می کند.

قانون اساسی، باید الزام تشکیل کمیسیون ملی زنان (NCW)، را به عنوان نهادی مستقل و با شعبه‌هایی در تمام استان‌ها تصریح و تاکید کند. این کمیسیون وظیفه‌ی دیدبانی در تنظیم، اجرا و پایش قوانین برابری جنسیتی را بر عهده دارد. کمیسیون ملی زنان با تاکید بر درهم تنیدگی و تنوع مسایل زنان، مغایرت قوانین و اجرای آن‌ها را در انطباق با ماده‌های مربوط به برابری جنسیتی مندرج در قانون اساسی نظارت و دیده‌بانی می‌کند. کمیسیون ملی زنان به عنوان یک نهاد کلیدی به منظور تقویت همکاری و ارتباط بین سازمان‌های حقوق بشر زنان و نهادهای دولتی در باره قوانین، سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به مسایل زنان مربوط می‌شود، فعالیت می‌کند.

۳۰.۱. قانون اساسی باید این نهاد را به عنوان یک نهاد مستقل با بودجه کافی برای مأموریت خود تعیین کند.

۳۰.۲. تشکیل کمیسیون ملی زنان: ۵۰ درصد از بدنه تصمیم‌گیری مرکز کمیسیون ملی زنان باید از نمایندگان منتخب از سازمان‌های جامعه مدنی و ۵۰ درصد مابقی توسط دولت از جمع کارکنان متخصص خود مربوط به مسایل زنان انتخاب گردند.

۳۰.۳. هیئت مدیره کمیسیون ملی زنان باید دربرگیرنده هویت‌های گوناگون ملی با دیدگاه درهم تنیدگی باشند. همه اعضای هیات مدیره باید دو وجه مشترک تخصص و تعهد به برابری جنسیتی را دارا باشند.

۳۰.۴. در راستای تضمین استقلال کمیسیون ملی زنان، پیشنهاد ریاست این نهاد باید به عهده سازمان‌های مدنی زنان باشد. رئیس کمیسیون ملی زنان پس از تأیید هیئت مدیره، توسط مجلس منصوب می‌شود.

۳۰.۵. دوره تصدی رئیس کمیسیون ۴ سال است و فقط برای یک دور دوم قابل تمدید می‌باشد. فرد منصوب نمی‌تواند بیش از دو دوره متوالی در این سمت باقی بماند.

۳۰.۶. این کمیسیون باید شامل دبیرخانه فنی و کمیته‌های تخصصی موضوعی با تمرکز بر آموزش، جوانان، ورزش، مشارکت سیاسی، امور قانونگذاری، زنان روستایی، توان‌خواهان، رسانه، محیط‌زیست و فعالیت‌های هنری و فرهنگی باشد.

۳۰.۷. وظایف کمیسیون ملی زنان موارد زیر را در بر می‌گیرد:

۳۰.۱.۷. پژوهش: بررسی قوانین، سیاست‌ها، و اقدامات فرهنگی تبعیض‌آمیز علیه زنان، به‌ویژه گروه‌های جنسی-جنسیتی و اتنیکیتی؛

۳۰.۲.۷ ساز و کار های ارتقای آگاهی های جنسیتی : اتخاذ ساز و کار های مناسب برای ارتقای نهاد های حکومتی و عموم مردم درباره هنجارهای قانونی و فرهنگی که تبعیض علیه زنان و گروه های ایتنیک و مذهبی و جنسیتی را عادی سازی می کند؛

۳۰.۳.۷ ارتقای آگاهی های جنسیتی در قضات و سیستم قضایی: توسعه محتوای آموزشی مناسب، برای ارتقای آگاهی جنسیتی میان قضات ، مقامات حکومتی، پلیس و نیروهای امنیتی که موجب ارتقای و پذیرش دیدگاه برابری جنسیتی می گردد؛

۳۰.۴.۷ کمیسیون آسیب های فرهنگی و اجتماعی: این کمیسیون باید کمیته های کارشناسی، تخصصی متشکل از کارشناسان حوزه جنسیتی تشکیل دهد. این کمیته باید از نمایندگان ایتنیک ها و گروه های جنسیتی ، زنان و سازمان های جامعه مدنی برای شناسایی آسیب های اجتماعی و فرهنگی در مورد زنان مشورت بگیرد؛

۳۰.۵.۷ توصیه های سیاست گذاری: کمیسیون ملی زنان بر اساس تحقیقات و یافته های خود توصیه هایی را با تاکید بر هدف رفع اختلافات سیستمی جنسیتی و آفرینش جامعه ای با برابری جنسیتی نهادینه شده به دولت ارائه می دهد؛

۳۰.۶.۷ رفع نابرابری های جنسیتی منطقه ای : از آنجایی که محور اصلی سیاست های پیشین تامین منافع کلان شهرها بوده نابرابری بین زنان دروستاها و شهرهای کوچکتر و به ویژه در ایتنیک های مختلف و گروه های دینی تشدید شده است، بنابراین لازم است با در نظر گرفتن پیشنهادات افراد ذی ربط، سیاست های خاصی برای رفع این تبعیض ها تدوین شوند.

۳۰.۸ کمیسیون ملی زنان باید از نزدیک با کمیسیون تحقیقات ملی در مورد خشونت دولتی – قانونی علیه زنان (ماده ۱۶ این سند) همکاری کند و کمیته های متشکل از کارشناسات حوزه جنسیتی (ماده ۲۹ این سند) و با مشورت با افراد مختلف قومی و جنسیتی و نمایندگان زنان و سازمان های جامعه مدنی تشکیل دهد.

۳۰.۹ کمیسیون ملی امور زنان باید با تشکیلات کشوری امور زنان، نهاد مستقل حقوق بشر (ماده ۲.۴ این سند) و برنامه اقدام ملی در مورد زنان، صلح و امنیت، (ماده ۱۲ این سند) هماهنگی و همکاری نزدیک داشته باشد.

۳۰.۱۰ کمیسیون ملی زنان باید بخشی برای دریافت شکایات مربوط به نابرابری جنسیتی و آزار جنسی ایجاد کند، اقدام های بایسته را برای رسیدگی به دغدغه های موجود در این زمینه انجام دهد. یکی دیگر از فعالیت های این کمیسیون ترویج گفتمانی عمومی برای جلوگیری از این گونه سوء رفتارها خواهد بود.

۳۰.۱۱ کمیسیون ملی زنان باید در مورد تأثیر و پیامدهای قوانین پیشنهادی و موجود در مورد برابری جنسیتی به پارلمان ملی توصیه های لازم را ارائه دهد.

۳۰.۱۲ کمیسیون ملی زنان باید با همکاری «تشکیلات کشوری امور زنان» و «کمیسیون مستقل حقوق بشر» و «کمیسیون تحقیقات ملی» در سطح ملی جهت ارتقای سیاست های برابری جنسیتی و پاسخگویی به مطالبات زنان، به ویژه در مناطقی که از لحاظ تاریخی مزایای اقتصادی و اجتماعی اندکی از دولت مرکزی دریافت کرده اند، تلاش کند.

۳۰.۱۳ کمیسیون ملی زنان باید مواد آموزشی لازم را برای ارتقای آگاهی عمومی نسبت به مفاد مربوط به حقوق بشر، تکثر، و برابری در قانون اساسی تدارک ببیند و احترام به این مفاد را فرهنگ سازی و نهادینه کند.

۳۰.۱۴ کمیسیون باید یک مرکز توسعه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی زنان داشته باشد که کمک های مالی به سازمان های زنان ارائه کند، و مکانی را برای سازمان های زنان به منظور ملاقات و برگزاری جلسات بین گروهی فراهم کند.

۳۰.۱۵ کمیسیون ملی زنان باید در کنفرانس ها و نشست های منطقه ای و بین المللی شرکت کند و از تجربه های زنان در سایر کشورها بهره گیرد و همینطور تجربه های زنان ایران را با زنان دیگر منطقه و جهان در میان بگذارد.



Azadeh Momeni



